

فشار روس و انگلیس

طرف عصر آقای نواب با خانمش و میرزا محمدخان قزوینی به ملاقات نگارنده آمدند و تا نزدیک شام بودند. آقای نواب می گفتند نامه رمز تهران کاملاً کشف شده، حکومت تهران از فشار روس و انگلیس می نالد. تمام درها را بر روی آنها بسته اند، می گویند بایستی به مراکز بانفوذ خارجی متوسل شد تا بلکه فشار روس و انگلیس را کم کنند. بعد از شام حسب الدعوه به ملاقات آقای حاج رحیم آقای قزوینی و چند نفر از تجار ایرانی که در هامبورگ تجارتخانه دارند، رفتم. بعد هم صادق اف آمد. بنا بر گفته آقایان، ایرانیان مقیم در آلمان از نیت اینجانب اطلاع حاصل کرده و شرکت نگارنده را در کنفرانس استکهلم بسیار ضروری و لازم می دانند.

رصدخانه برلن

یکشنبه ۲۷ مه - امروز و فردا روز عید بزرگ مسیحیان و تعطیل عمومی است. بعد از ظهر حسب الدعوه با آقای نواب و خانمشان و آقای میرزا محمدخان قزوینی به رصدخانه در مشرق برلن واقع در محله ترپتور رفتم. رئیس رصدخانه به آقای نواب تلفن کرده بود که بیاید سیاهیهای داخل خورشید را ملاحظه کنید. هر یازده سال این سیاهیها به حداکثر خود می رسد. از دوربین خیلی بزرگ که طولش سی و شش متر است خورشید را به روی پارچه سفیدی منعکس نموده و لکه های سیاه آن را به خوبی مشاهده می کنند. به آنجا رفته قبلاً رصدخانه را مشاهده نموده و بعد لکه های سیاه خورشید را دیدیم، کاملاً نمایان و واضح و تماشایی است.

تعطیل عمومی

دوشنبه ۲۸ و سه شنبه ۲۹ مه - امروز هم تعطیل عمومی است و حتی روزنامه هم منتشر نمی شود. بعد از ظهر برای گردش به بیرون شهر رفته

ساعت هشت مراجعت کردم. ازدحام غریبی دیده می شد، مخصوصاً در این روزهای جنگ زنها در عبور و مرور بیشتر از مردها دیده می شوند. روز سه شنبه به علت کسالت از منزل بیرون نرفتم. از ۱۹۱۵ که در کرمانشاه بودیم گویا مالاریا پاگیر اینجانب شده، هر وقت که جزئی سرما خوردگی یا ابتلایی دست داده تب نوبه هم می آید.

اول جنگ دریایی

چهارشنبه ۳۰ مه - فردا روز سالروز جنگ بزرگ دریایی میان آلمانها و انگلیسها در اسکارگراک می باشد. روزنامه های آلمانی شرح مفصلی راجع به این فتح دریایی می نویسند. آلمانها جنگ اسکارگراک را اول جنگ بزرگ دریایی دنیا و بالاترین فتح خودشان می شمارند. انگلیسها هم خودشان را فاتح می دانند ولی ادعای آلمانها به صحت نزدیک تر است، زیرا تلفات انگلیسها خیلی زیاده تر و مخصوصاً از آتش توپخانه آلمانها. دیگر آنکه از همان ساعت اول آلمانها فتح خودشان را اعلام کرده ولی انگلیسها سکوت اختیار نموده تا پس از یک ماه اعلامیه ساختگی فتح آمیزی انتشار دادند. آنچه محقق است هشت کشتی بزرگ جنگی انگلیس از آتش توپخانه کشتیهای آلمانی در این جنگ غرق شد و در مقابل تنها یک کشتی کوچک آلمانی از ترپید غرق می شود. بعد از این جنگ تاریخی دیگر کشتیهای بزرگ جنگی انگلیس برای جنگ دریایی با آلمان حاضر نشدند. در صورتی که حملات بزرگی از طرف آلمانها به آنها صورت گرفته است.

تلگراف هدایت

پنجشنبه ۳۱ مه - آقای عزت الله هدایت امروز تلگراف کرده که باید هر چه زودتر حرکت کرد و راپرت مفصل تری هم راجع به این موضوع به

وزارت خارجه آلمان فرستاده شده است. خود او هم همین چند روزه به برلن مراجعت خواهد کرد.

وحیدالملک مأمور رسمی ایران

جمعه ۱ ژوئن ۱۹۱۷ - از قرار خبر واصله آقای نظام السلطنه با جمعی دیگر از ایرانیان وارد استانبول شده‌اند. آقای نواب به ملاقات اینجانب آمده، اظهار داشتند که طبق مکتوب رمزی که از تهران رسیده آقای وثوق الدوله اطلاع داده‌اند که ملیون ایران در تهران از نگارنده انتظار دارند که در کنفرانس استکهلم شرکت کرده خواسته‌های ایران را در آنجا مطرح نماید. پس از مذاکرات زیاد قرار شد آقای نواب رسماً این موضوع را به اینجانب نوشته و بدین وسیله نگارنده مأمور رسمی ایران شناخته بشود.^۱

ورود نظام السلطنه به استانبول

بعد از ظهر به سفارت مدعو بودیم که مدیر عالم اسلام و چند نفر دیگر هم بودند. نامه‌ای از استانبول از آقای احتشام السلطنه رسیده که نوشته‌اند آقای نظام السلطنه و هشت نفر از وکلا و محترمین ایران وارد استانبول شده و عده زیادتری در عقب هستند که به تدریج خواهند رسید. آقای نظام السلطنه را به خوبی پذیرفته‌اند [و] و خانه بزرگی را نیز برای اقامت ایشان معین کرده‌اند. سایرین در هتل منزل دارند. شاهزاده سلیمان میرزا در حلب مانده است.

فرانسه و کنفرانس سوسیالیستها

شنبه ۲ و یکشنبه ۳ ژوئن - این دو روزه مذاکرات مفصل راجع به تصمیم سوسیالیستها در اعزام نماینده به کنفرانس استکهلم در مجلس فرانسه در

۱. برای آگاهی از متن این نامه بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۹.

میان بوده. رئیس‌الوزرای فرانسه مسیو ریو اظهار کرده دولت تذکره به نمایندگان سوسیالیست نخواهد داد که به استکهلم بروند. تا خاک فرانسه از دشمن خالی نشود، غیرت فرانسوی مانع از این است که افرادی از نمایندگان آن یک سر میز نشسته، مذاکرات صلح به میان آورند. برحسب تقاضای سوسیالیستها جلسه مجلس ملی سری شده بقیه مذاکرات در مجلس سری به عمل آمده است. اوضاع روسیه به شدت تاریک و از قرار بعضی راپورتهای علائم ارتجاع هم در آنجا نمایان شده است. آتش جنگ در طرف ایتالیا عجالتاً قدری از حدت خود کاسته است.

دوشنبه ۴ ژوئن - امروز بیشتر از وقت خود را صرف مکاتبه با استانبول کردم. نامه‌ای به آقای نظام السلطنه نوشته و تبریک ورود گفتم. جواب نامه‌های دیگر به آقایان ماژور حبیب‌الله خان شیپانی و حاج عزالممالک و میرزا قاسم خان صور و سالار معظم مافی نوشته در جوف نامه به آقای طباطبایی گذاشته و توسط علی بیک باش همپا در استانبول توسط سفارت عثمانی فرستادم.

فصل گردش

سه شنبه ۵ و چهارشنبه ۶ ژوئن - امروز به سمت شرقی برلن برای گردش رفتم. تمام روز را بیرون بودم. قسمت شرق برلن هم جاهای خوب و باصفا دارد، همه جای آن سبز و قابل گردش است. چهارشنبه ششم را بیشتر روز با آقایان نواب و میرزا جوادخان قاضی در طرف غربی برلن در گردش بودیم و از آنجا به پوتسدام رفتیم. هوا بسیار مناسب این گونه گردشها است و بسیار جای افسوس است که انسان این اوقات را داخل منزل صرف کند. زمستان سخت و ممتد در عقب، تابستان به سرعت می‌آید، استفاده از چنین فصل و هوا برای صحت مزاج لازم است، به خصوص در جاهایی که معلوم نیست هوای معتدل و خوب چقدر طول می‌کشد.

وضع فرونتها

پنجشنبه ۷ ژوئن - امروز محاربه سخت در طرف فلاندر و فرونت انگلیسیها شروع شده، حمله از طرف انگلیسیها و دفاع از طرف آلمانها است. در فرونت ایتالیا قشون ایتالیا مختصر شکستی خورده و چند هزار اسیر داده‌اند. در این هوای معتدل به احتمال زیاد در فرونتها فعالیت متفقین بیشتر می‌شود و آلمانها و اتریشیها به مدافعه خواهند پرداخت. صدراعظم فرانسه در مجلس سنا نطقی کرده می‌گوید تا آلمانها آلتزاس و لرن را استرداد نکنند فرانسه دست از جنگ نخواهد کشید. این اظهار در حقیقت علیه سیاست امروزه حکومت روس است که سوسیالیستها و کارگران نفوذ کامل در آن دارند.

حمله سخت انگلیسیها

جمعه ۸ ژوئن - دیروز انگلیسیها حمله بسیار سختی در طرف فلاندر به آلمانها کرده و در چندین محل استحکامات آلمانها را در تصرف آورده‌اند. چند روز بود که انگلیسیها این قسمت را زیر آتش توپخانه گرفته بودند و در بعضی جاها هم دینامیت زیادی گذاشته و منفجر کرده و بعد به حمله پرداخته‌اند. از قرار راپرت خودشان متجاوز از شش هزار اسیر جنگی و بیست عراده توپ گرفته‌اند.

کنفرانس استکهلم

به قرار اظهارات آقای عزت‌الله هدایت که شب پیش از استکهلم برگشته [زمان] انعقاد کنفرانس سوسیالیستها در آنجا هنوز معلوم نیست. جمعی از سوسیالیستها در آنجا گرد آمده‌اند. یکی از سوسیالیستهای هلندی اظهار عقیده کرده که پیشنهاد نماینده ایران باید از طرف سوسیالیستهای روس و انگلیس باشد که بشود در جلسه مطرح مذاکره قرار گیرد. در استکهلم

منزل به سختی به دست می‌آید، مخارج زندگی هم سنگین است. نان بسیار گران و نایاب است. آقای مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در پترزبورگ خانمش را به استکهلم فرستاده، [چون] از انقلاب آنجا خوف داشته است. چند نفر از ایرانیها هنوز در پترزبورگ می‌باشند، از آنها یک نفر حریری نام با روسهای انقلابی ارتباط کامل دارد. در سوئد عموماً احساسات بر له آلمانها است. ولی سوسیالیستها علیه آلمانها هستند. در استکهلم عده‌ای از اشخاصی که از روسیه بدانجا آمده‌اند دیده می‌شوند و اینها از آتیه روسیه اظهار یأس می‌کنند.

ناامیدی ایرانیان

شنبه ۹ تا دوشنبه ۱۱ ژوئن - پیش از ظهر شنبه مدتی با آقایان علوی و اعظم‌السلطنه در گردش بودم. از قرار گفته این آقایان اخیراً قنصل عثمانی وجهی برای آقای نواب فرستاده که به ایرانیهای بی بضاعت در برلن تقسیم کند و این کار را آقای نواب به آقای اعظم‌السلطنه محول کرده. بعد از ظهر همین روز با آقای نواب قدری گردش کردم، از ایران اطلاع مهمی نداشتند. محاربه فلاندر هنوز ادامه دارد ولی فتحی نصیب انگلیسیها نشده است.

یأس ایرانیان

پیش از ظهر یکشنبه مدتی با آقایان میرزا محمدخان قزوینی و پور داوود و میرزا رضاخان تربیت در گردش و صحبت بودیم. این آقایان از آتیه به کلی مأیوس هستند. پیش از ظهر دوشنبه مدتی با آقای نواب مشغول گردش بودم. نامه‌ای از آقای مفخم‌الدوله توسط ایشان برای اینجانب رسیده، در این نامه می‌نویسد که از وزارت خارجه تقاضا کرده که او را از پترزبورگ به رم بفرستند و اگر به مأموریت هم نمی‌فرستند اجازه یک مرخصی

ممتدی به او بدهند که به این مسافرت برود. بعد از ظهر همین روز به جنگل گرونه‌والد رفتیم. هوا خوش و معتدل است و مدتی است که بارندگی نشده است.

استعفای پادشاه یونان

سه شنبه ۱۲ تا پنجشنبه ۱۴ ژوئن - در نتیجه فشار و اولتیماتوم متفقین به دولت یونان پادشاه آن کشور مجبور به استعفا شده و سلطنت را به پسر دوم خود واگذار کرده است. روزنامه‌ها شرح مفصلی از او و تاریخ اخیر یونان می‌نویسند. تحت‌البحریهای آلمان این روزها بر جدیت خود افزوده‌اند. شب پنجشنبه آلمانها با طیاره حمله سختی به لندن کرده و خسارات زیادی وارد کرده‌اند و متجاوز از پانصد نفر کشته و زخمی شده‌اند.

توطئه علیه نظام السلطنه

از قرار اخبار واصله توطئه‌کنندگان علیه آقای نظام السلطنه لدی‌الورود به استانبول توقیف شده‌اند. ولی در نتیجه اقدامات آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر ایران آنها را آزاد کرده‌اند. هوا به بیست و شش درجه سانتیگراد رسیده است. باران نیامده و خشکسالی باعث ترس مردم شده است.

انتخابات پترزبورگ

جمعه ۱۵ ژوئن - اوضاع روسیه بسیار تاریک و باعث ترس متفقین شده است. چند ایالت روسیه آزادی خود را اعلان و پرچم استقلال برافراشته‌اند. سوسیالیستها پیوسته در تزاید [ند] و انتخابات پترزبورگ را برده‌اند. مطبوعات انقلابیون نسبت به اظهارات اخیر صدراعظم فرانسه اظهار انزجار نموده و صحبت صلح جداگانه را به میان آورده‌اند که جنگ در طرف روسیه به کلی از میان برداشته شود.

ضیاءالدین هندی

شنبه ۱۶ ژوئن - یک نفر هندی به نام ضیاءالدین که مدتی در ایران بوده و اخیراً وارد برلن شده است، به دیدن اینجانب آمده از اوضاع اخیر ایران مفصل صحبت کرد. ضیاءالدین با فن‌کار دورف از اصفهان حرکت [می‌کند] و به بختیاری می‌رود. اول به منزل ضرغام السلطنه وارد [می‌شود] و بعد به منزل بی‌بی خانم خواهر سردار اسعد رفته در آنجا منزل می‌کند. بختیارها دو دسته می‌شوند. بی‌بی خانم و پسر صمصام السلطنه جداً از کار دورف حمایت و دسته دیگر را مغلوب می‌کنند. یک نفر انگلیسی هم که با یک قوه‌ای به بختیاری آمده بود موفقیت حاصل نمی‌کند، سوارهای بختیاری با کار دورف به اصفهان حمله برده [اند] ولی در آنجا شکست می‌خورند. سپس ضیاءالدین و کار دورف به طرف قشقایی رفته و بعد به کرمانشاه می‌آیند. از قرار گفته ضیاءالدین میان نادولنی نماینده آلمان و نظام السلطنه سخت کشمکش بوده [است] و این اواخر قبل از حرکت آنها روابطشان قطع شده بود. نادولنی با ایرانیان مخالف نظام السلطنه ارتباط نزدیک داشت و خود ضیاءالدین نیز با آنها ارتباط داشت. پس از رسیدن خبر سقوط بغداد نادولنی فوراً با ایرانیهایی که با او همراه بوده‌اند حرکت می‌کند و به نظام السلطنه هم خبر نمی‌دهد. روز بعد که عثمانیها خبردار می‌شوند با نظام السلطنه حرکت می‌کنند.

ایرانیان در کرکوک و موصل

در این حرکت وسائل حمل و نقل به سختی فراهم می‌شود. در قصر شیرین میان صاحبمنصبان آلمان، رؤسای ژاندارم و عثمانیها...^۱ به زد و خورد منجر شد. بالاخره به هر طوری که بوده خودشان را به کرکوک می‌رسانند. در آنجا باز مذاکرات سخت میان نظام السلطنه و عثمانیها از

۱. محر مطالب در فتوکپی (شاید: گفتگوهایی پیش آمد و).

یک طرف و صاحبمنصبان آلمانی و ژاندارمها از طرف دیگر شروع [می شود] و بالاخره تمام ژاندارمها را به سلیمانیه فرستاده و حکم می شود که یک نفر ایرانی در کرکوک نماند. در موصل میان ایرانیها اختلافات شدید رخ می دهد. بعضی می گویند در آنجا بمانند و برخی قصد حرکت داشته اند. بالاخره آقایان سلیمان میرزا و مساوات و کزازی و دهخوارقانی و بهاءالواعظین و دارودسته آنها در موصل مانده سایرین به طرف استانبول حرکت می کنند.

دو دستگی ایرانیان

در موصل آقای مدرس سخت علیه آلمانیها صحبت می کند. در حقیقت دو دسته می شوند. دسته سلیمان میرزا موافق آلمانیها و دسته مدرس مخالف آنها. آقای نظام السلطنه و دو پسرش و میرزا محمد علی خان کلوب و ادیب السلطنه و ناصرالاسلام [رشتی] و میرزا قاسم خان و عده ای دیگر مستقیم به طرف استانبول حرکت می کنند. در استانبول پذیرایی شایانی از آنها می شود و نظام السلطنه مهمان رسمی دولت عثمانی است. روابط نادولنی با آقای احتشام السلطنه خیلی دوستانه است. آقایان کلوب و ادیب السلطنه در استانبول از هیئت حکومت موقتی استعفا داده [اند] و به جای آنها دو نفر دیگر انتخاب شده اند.

نظر تهران و نواب

یکشنبه ۱۷ ژوئن - پیش از ظهر آقای نواب تلفن کرد که لازم [است] همدیگر را ملاقات کنیم. قرار شد که برای ملاقات ایشان به سفارت بروم. از قرار معلوم از تهران تلگرافی در تأکید رفتن نگارنده به استکهلم به ایشان رسیده است. عقیده شخصی خودشان هم بر این بود که در هر صورت رفتن نگارنده به استکهلم حائز اهمیت است، زیرا چه کنفرانس

بشود و چه نشود، موضوع استقلال و آتیه ایران در میان آمده [است] و یک صورت جدی به خود می گیرد و دیگر موقعی مناسب تر از امروز نیست با آتش انقلابی که در روسیه شعله ور گردیده است. اگرچه آقای نواب این موضوع را تأیید نکردند ولی از قرار گفته ایرانیها، مختصر انقلابی هم در تهران ایجاد شده و مدیر روزنامه عصر جدید را در تهران کشته و تغییراتی به نفع چپی ها در قانون انتخابات داده شده و شاید عنقریب کابینه هم تغییر کند. تصمیم گرفته شد که هرچه زودتر وسائل مسافرت را تهیه کرده و به طرف استکهلم حرکت کنم.

وزیر امور خارجه سوئیس

دوشنبه ۱۸ تا چهارشنبه ۲۰ ژوئن - اخیراً میان آلمانها و حکومت حالیه روس مذاکراتی راجع به صلح توسط وزارت خارجه سوئیس به عمل آمده است. تلگراف رمز وزیر خارجه سوئیس به وزیر مختار خودشان در پترزبورگ به دست متفقین افتاده، [آن را] چاپ و اشاعه داده اند. در نتیجه غوغایی میان متفقین بر ضد وزیر خارجه سوئیس برپا شده و در نتیجه وزیر نامبرده استعفا داده و مورد حملات سخت متفقین و طرفداران آنها شده است. ولی دولت سوئیس بی طرفی خود را حفظ کرده و خود را در این امر اصلاً داخل نمی داند و مسئولیت را به گردن شخص وزیر خارجه انداخته است.

دستور صدور تذکره

روز سه شنبه پیش از ظهر به فن ویزندونگ تلفن کردم که او را از حرکت خود و صدور تذکره مطلع نمایم. موقتاً در اداره نبود. روز بعد ظهر او را ملاقات و در خصوص کنفرانس استکهلم با او مذاکره کردم. عقیده او هم تقریباً عقیده شخص آقای نواب است. می گوید رفتن نگارنده به استکهلم

در هر صورت فایده دارد که صحبتی از ایران بشود. در حقیقت مقدمه‌ای است برای حفظ استقلال ایران در مذاکرات بین‌المللی. نامه‌ای به اداره تذکره نوشت که کار تذکره مرا فوراً صورت دهند و به سرحد هم تلگراف کنند که تسهیلات لازم در مورد مسافرت اینجانب را رعایت کنند. در این صورت دو روزه کار تذکره درست خواهد شد. می‌گفت نادولنی در استانبول مشغول تصفیة امور ایرانیان می‌باشد و کوشش دارد بلکه آنهایی را که از سیاست آلمان شاکی هستند تحیب کند.

آماده شدن تذکره

پنجشنبه ۲۱ تا شنبه ۲۳ ژوئن - صبح پنجشنبه از اداره تذکره وزارت خارجه تلفن شد که کار تذکره شما تمام و تذکره شما حاضر است] و به سرحد هم تلگراف لازم شده است و مطمئن باشید که مزاحم شما نخواهند بود. بعد از ظهر به مختصر تدارکی برای حرکت پرداختم. کمی کرون سوئد خریداری شد. هر یکصد کرون به دویست و سه مارک در صورتی که در زمان صلح صد کرون سوئد صد و هشت مارک بوده است.

وضع زندگی در استکهلم

روز جمعه بعد از ظهر ماژور پوست سوئدی که جزء افسران سوئدی در خدمت ایران بوده، به ملاقات آمد] و مدتی با او صحبت کردم. اطلاعاتی از زندگی در سوئد و به خصوص زندگی در استکهلم در دسترس نگارنده گذاشت. چند آدرس هم از آشنایان خود که در استکهلم مقیم هستند داد که اگر لازم شد به نگارنده کمک خواهند کرد. نیز آدرس چند نفر از افسران سوئدی که در ایران بوده [اند] و حالا در استکهلم یا اطراف آن شهر منزل دارند به نگارنده داد که آنها را اگر احتیاج شد ملاقات کنم.

خرید بلیت

شنبه پیش از ظهر مدتی با آقای نواب بودم باز در جزئیات مسافرت استکهلم با هم صحبت کردیم. بعد از ظهر بلیط راه آهن تا مرز [را] خریداری کرده و خود را برای مسافرت حاضر کردم که اگر عایقی روی ندهد فردا صبح ساعت نه و نیم از برلن به طرف استکهلم حرکت می‌کنم. با آقای علوی و چند نفر از ایرانیان مراسم خداحافظی بجا آوردم. نامه‌ای نیز به آقای طباطبائی به استانبول از حرکت خود برای اطلاع ایشان نوشته و به توسط آقای نواب فرستادم.

هوای استکهلم

دوشنبه ۲۵ ژوئن - صبح ترن ما ساعت ده وارد گار شد. مستقیماً به هتل امپریال رفتم. پس از قدری استراحت به سالن هتل رفتم. حمیدخان پسر آقای امیرنظام را ملاقات کردم. تقریباً تمام روز را با اینجانب بود. هوای استکهلم هم بالنسبه گرم [بود] و چندان تفاوتی با هوای برلن ندارد. عصر قدری باران آمد و هوا را سرد کرد. وقت این جا یک ساعت عقب‌تر از وقت برلن است. شب در استکهلم تقریباً تاریک نمی‌شود. میان ساعت یازده و دوازده کمی تاریک شده دوباره روشن می‌شود. ساعت شش صبح خورشید طلوع [می‌کند] و تقریباً تا ساعت نه بعداز ظهر غروب نمی‌کند. فوراً بعد از ظهر چند نامه به تهران نوشته و پست کردم.

دفتر کارگران روسی

ساعت پنج بعداز ظهر به شعبه اداره کارگران و سربازان روسی که اخیراً در استکهلم باز شده رفتم و نماینده آنها را که یک جوان است ملاقات کرده مدتی با او راجع به ایران صحبت کردم و یک نسخه از اعلامیه‌ای که در برلن تهیه و طبع شده بود به او دادم و سفارش کردم که به پترزبورگ بفرستد. از قرار گفته او اظهارات «فرقه دموکرات ایران» را که قبلاً به انجمن کارگران روسیه شده در روزنامه ارگان خودشان درج کرده‌اند؛ شکایتی است که کمیته دموکرات ایران از رفتار مأمورین روسی کرده [اند] و تغییر آنها را خواستگار شده‌اند. و گفت عنقریب ارگانی به زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی از طرف کارگران روسیه منتشر خواهد شد.

نصایح سوسیالیستهای آلمانی

سه شنبه ۲۶ ژوئن - صبح پس از صرف صبحانه که پس از زندگی برلن خیلی نمایان بود (مرکب از قهوه با شیر و سرشیر و دو سه قسم گوشت‌های سرد و دو عدد تخم‌مرغ و دو قسم پنیر و ماهی) به هتل کتینانتال که محل

شرکت در کنفرانس استکهلم

ورود به سوئد

یکشنبه ۲۴ ژوئن - صبح زود پس از صرف صبحانه به استاسیون واقع در شمال برلن رفتم. ترن ساعت نه و نیم به طرف بندر ساسنیتز حرکت کرد. از برلن تا لب دریای بالتیک، بندر ساسنیتز هشت ساعت راه است. ساعت چهارونیم بعداز ظهر به بندر وارد شده به محل کنترل تذکره و گمرک ااثیه سفر رفتم. چون قبلاً تلگرافی از وزارت خارجه سفارش شده بود، تنها شماره تذکره اینجانب را ثبت کرده با احترام گذراندند. اسباب سفر را تفتیش نکردند. ساعت پنج و نیم با کشتی سوئدی بندر حرکت کردیم. دریا صاف و آرام و هوا خوش و آفتابی بود. چهار ساعت سفر دریا بسیار خوش گذشت. عده مسافرین آن زیاد نبود. سه نفر از ترکان هم برای کنفرانس می‌آمدند. ساعت ده از بندر تیرلیبرگ سوئدی به طرف استکهلم حرکت کردیم. شب را در کمال راحتی در اطاق خواب ترن استراحت کرده، صبح ساعت ده به وقت محل وارد استکهلم شدیم.

اقامت مأمورین سوسیالیستهای آلمان به نام کارسکی و هازه و یک نفر دیگر رفته، با هر سه نفر صحبت کردم. اول کارسکی نبود ولی بعد به دیگران ملحق شد. ابتدا به زبان فرانسه و آلمانی حرف می‌زدیم و بعد انگلیسی شروع کردیم. دو نفر از آنها خیلی خوب انگلیسی می‌دانند. خلاصه نظریات آنها این است که حالت ایران خیلی جالب نظر است و یقیناً جاذب نظر کنفرانس خواهد بود. ولی خوب است نظر ایرانیان را به طریق خلاصه و ساده پیشنهاد هیئت عامله کنفرانس بکنیم. رعایت بی‌طرفی کامل بایستی بشود. چون طرف ایران روس و انگلیس است بایستی نظر آنها را هم ملاحظه کرد. به هیچ قسم نظری از آلمان یا کشورهای بی‌طرف در آن نباشد که کار را به اشکال خواهد انداخت. ایران به واسطه قدمت و سابقه خدمت به عالم تمدن و انسانیت حق دارد ملیت و استقلال خود را حفظ کند.

نامه به مفخم‌الدوله

اعلامیه ما را که در برلن حاضر کرده‌ایم قبلاً خوانده بودند. اگر چه بعضی مطالب آن خارج از دایره نظریات آنها است مع هذا با مفاد آن همفکری دارند. پس از مذاکرات زیاد که تقریباً یک ساعت طول کشید وعده دادند در موقع خودش همراهی بکنند. سپس به هتل برگشته نامه‌ای مفصل به آقای مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در پترزبورگ نوشته از مسافرت و نیات خودمان مشروحاً مذکور [داشتم] و استمداد از ایشان کردم که از اوضاع ایران و چگونگی حال روسیه و مخصوصاً راجع به تسهیل موفقیت کارها هر چه زودتر نگارنده را مطلع [کند] و نظریات خودشان را هم اظهار دارند.

ملاقات پترسن

یک ساعت به ظهر مانده کاپیتان پترسن افسر سوئدی که مدتی در ایران

بوده و حالا در استکهلم مقیم است آمد و مفصلاً صحبت کردیم. کاپیتان نامبرده بسیار ایران دوست و مایل است کار در اینجا پیشرفت کند. بعد از رفتن پترسن با حمیدخان به قونسولخانه ایران رفتیم. خود قنسول ناخوش و خوابیده است، منشی او که جوانک خوش سیمایی است ما را پذیرفته مهر قونسولخانه را بر روی پاکت مفخم‌الدوله زد که خودمان با پست سفارشی بفرستیم.

نظریات نایب سفارت انگلیس

ساعت چهار بعد از ظهر مستر کنارد نایب سفارت انگلیس در استکهلم به ملاقات اینجانب آمد و خود را به زبان فارسی معرفی کرد. اگر چه به قول خودش سه سال در تهران بوده او را به هیچ وجه در تهران ندیده بودم. مردی است بلندبالا، لاغر و زردمو، خیلی شکل انگلیسی دارد. گفت مصاحبی داشتم ایرانی جواد نام. یک ماهی است به طرف ایران حرکت کرده و چون اسم شما و ورود شما را در روزنامه امروز استکهلم خواندم و خیال کردم از ایران و از طریق روسیه می‌آیید، آمدم به دیدن شما تا از شما احوال جواد را بپرسم. حالا بفرمایید از راه روسیه یقیناً تشریف آورده‌اید. بدین طریق آقای نایب سفارت انگلیس خواست از اینجانب اطلاعاتی که می‌خواست کسب کند. بدیهی است نگارنده در عالم سیاست این قدر ساده نبودم و مفت‌بازی نمی‌کردم. فوراً صحبت را به مطالب عمومی کشانده از جواب و سؤال مستقیم احتراز کردم. می‌گفت خیلی جای تأسف است که قرارداد ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس سیاست انگلیس را در ایران تغییر داده [است] ولی امیدوار است که بعد از جنگ ایران به حالت خودش واگذار شود. سپس صحبت ما به ادبیات ایران و شمس تبریز و حافظ و سعدی کشانده شد. از پروفیسور براون و چند نفر از مستشرقین که در ادبیات ایران کار کرده‌اند صحبت کرد. پس از صرف چای کنارد برخاست و خداحافظی کرد. گفتم انشاءالله در آتیه زمانی که

هوای سیاست قدری روشن تر [شد] و روس و انگلیس نسبت به ایران سیاست خود را تغییر دادند اگر ایشان به تهران آمدند آن وقت بازدید این ملاقات را در تهران از ایشان با کمال مسرت خواهم نمود.

دوئل با حیدرخان

بعد از شام با حمیدخان به باغ بیرون شهر استکهلم رفته تا ساعت دوازده گردش می کردیم. حمیدخان شرحی از نزاع خودش با حیدرخان عمو اوغلی صحبت کرد. گفت چند شب قبل در سر شام سخت با او طرفیت پیدا کرده گویا کار به دوئل می کشد. برای دوئل به بیرون شهر می روند، حمیدخان می خواهد با مشت جنگ کند ولی حیدرخان با چاقو. بالاخره هر طرف به دیگری آب دهان پرتاب کرده و به این ترتیب ماجرا ختم می شود. هنوز حیدرخان عمو اوغلی را ندیده ام.

رئیس کنفرانس

چهارشنبه ۲۷ ژوئن - پیش از ظهر برای ملاقات برن تین رئیس سوسیالیستهای سوئیس که رئیس کنفرانس بین المللی سوسیالیستها هم می باشد به اداره روزنامه سوسیالیست دموکرات که ارگان برن تین است و کنفرانس در آنجا باید منعقد بشود رفتم. ولی به ملاقات خود برن تین موفق نشدم. معلوم شد در همان وقت با ایرلندیها مشغول مذاکره بوده است. برن تین به طور کلی طرفدار انگلیسیها و مخالف آلمانها می باشد و به واسطه او عده ای از سوسیالیستها و کارگران سوئدی علیه آلمان شده اند. مقارن ظهر به هتل برگشته چند عدد نامه به تهران نوشته و توسط قونسولخانه ایران فرستادم.

اخبار تهران

بعد از ظهر به قونسولخانه ایران رفته در آنجا دو نفر کلیمی را که اخیراً از

تهران آمده اند ملاقات کردم. می گفتند کمی کمتر از یک ماه قبل، از تهران حرکت کرده اند. از اوضاع تهران از آنها پرسیدم. از قرار معلوم قشون روس تا شاه آباد جلو رفته [اند] و در آنجا مقیم هستند و طرف جنوب هم تا اصفهان را اشغال کرده اند. بواسطه خرید گندم که روسها می خریدند نان در تهران خیلی کم شده [است] و به یک من پنج شش قران فروخته می شود. مغازه ها خالی و جنس نایاب است، ماهوت به ذرعی هشت تا ده تومان و کفش به جفتی ده تا پانزده تومان رسیده است. تخمه سیری سه شاهی شده است. همه چیز به همین مقدار بالا رفته است. در قونسولخانه از اینجانب پرسیدند که آیا این دو نفر را می شناسم و اگر ممکن است از قونسولخانه آلمان سفارشی برای آنها گرفته [شود] که مسافرت آنها از طریق آلمان به سوئیس سهل شود.

ملاقات ایرانیان

پنجشنبه ۲۸ ژوئن - امروز روزنامه معروف استکهلم داگنریش تاگ عکس نگارنده را با شرح زندگانی نگارنده منتشر کرده بود و نیز مفاد یادداشتی که برای کنفرانس سوسیالیستها تهیه و چاپ شده نیز درج کرده است. بعد از ظهر در رستوران [یا] آقای غلامعلی انصاری قدری از اوضاع تهران صحبت کردیم. آقای انصاری جزء شاگردهای نظامی ایرانی در فرانسه بوده و در فرانسه تحصیلات خود را به پایان رسانده است، از تهران به اینجا آمده و عجلتاً در استکهلم متوقف [است]. ولی خیال مراجعت به ایران را دارد. نیز آقای میرزا ابوالحسن خان برادر مرحوم ثقة الاسلام تبریزی را که نایب سفارت پطرزبورگ است در همین رستوران ملاقات کردم. میرزا ابوالقاسم خان با خانم مفخم الدوله به استکهلم آمده است. می گفت خانم مفخم الدوله به سختی ناخوش است. شرحی راجع به ایران و اوضاع ایران و پطرزبورگ صحبت کرد.

استعفای وثوق الدوله

از قرار گفته او کابینه وثوق الدوله از ترس کمیته مخفی، مستعفی [شد] و یک کابینه مشترک به عضویت مستوفی الممالک و مشیرالدوله و مؤتمن الملک و مستشارالدوله و جمعی دیگر از رؤسای مشروطیت تحت ریاست علاء السلطنه تشکیل [شد]. خود علاء السلطنه وزارت خارجه و مستشارالدوله وزارت داخله را تحت سرپرستی قرار داده‌اند و مستوفی الممالک وزیر مشاور می‌باشد.

اخیراً در تهران چند نفر را از قبیل متین السلطنه و میرزماحسن ترور کرده‌اند. از قرار معلوم عنقریب انتخابات در تهران شروع می‌شود. در تبریز کمیته‌ای به نام «کمیته سوسیالیست دموکرات» تأسیس [شده است] و خیال دارند عنقریب عذر قنصل روس را بخواهند.

اوضاع روسیه

از اوضاع روسیه می‌گفت، سختی معاش به اعلاء درجه رسیده، مردم به کلی خسته و طالب صلح می‌باشند و پیوسته نفرت از متفقین زیاده می‌شود. در جراید روسیه علناً علیه انگلیس و فرانسه قلم فرسایی می‌شود. دیسیپلین از قشون روسیه برداشته شده و روس دیگر وضع حمله‌ای در جنگ نخواهد داشت. آزادی هر روز در حال بسط است. کارگران بیش از روزی چهار پنج ساعت نمی‌خواهند کار کنند. آقای مفخم الدوله وزیر مختار ایران در روسیه استعفا داده [است] ولی از قرار معلوم وزارت خارجه استعفای او را قبول نکرده‌اند، در هر صورت خیال حرکت از پترزبورگ را دارد.

حمام سوئدی

بعد از ظهر به حمام مرکزی استکهلم رفتم. در حمامهای اینجا زنهای

بالتسبه پیر کارگری می‌کنند. حمامهای متعارفی آب گرم است و فقط دلاک زن لیف و کیسه می‌کند. چندان هم گران نیست. تقریباً دو کرون سوئدی معادل پنج قران.

آتیة روسیه

چای عصر را با مبعوثین عثمانی صرف کردم. در گراند هتل منزل دارند. شام را میرزا ابوالحسن خان نامبرده با اینجانب صرف کرد. در سر شام نیز مفصل از اوضاع روسیه صحبت می‌داشت. به عقیده او آتیة روسیه بسیار تاریک است.

عقیده سوسیالیستهای آلمانی

جمعه ۲۹ ژوئن - امروز روزنامه معروف استکهلم به نام استکهلم تاگ بلاد مقاله مفصلی راجع به ایران درج کرده است و در آن شرحی از اجحافات روسیه در ایران و تخطیات مأمورین روسیه در ایران ذکر می‌نماید. تقریباً چهار ستون روزنامه را گرفته است. بسیار خوب نوشته و یقیناً بی‌اثر نخواهد بود. ساعت ده به ملاقات هیرمولر نماینده سوسیالیستهای آلمان در مجلس ملی آن کشور رفتم. نماینده‌های سوسیالیست آلمان مأمور استکهلم نه نفر بودند، هشت نفر برگشته [اند] و هیرمولر را به نمایندگی انتخاب کرده‌اند. مولر هم می‌گفت هفته بعد می‌خواهد برای جلسه پارلمان به برلن مراجعت کند. قدری با هیرمولر راجع به ایران صحبت کردم. می‌گفت علت اینکه اسم ایران را در پروگرام خود نگذاشته‌ایم به ملاحظه این بوده [است] که ایران کشوری است مستقل و صحیح نیست نام آن با ممالک زیریا رفته توأم شود. ولی در موقع خود ایران را فراموش نخواهیم کرد. از رامزی مکداندل تعریف می‌کرد و می‌گفت با روسهای سوسیالیست مکاتبه دارد و مراسلات را به وسیله قاصد مخصوص رد و

بدل می‌کنند. بعد از ظهر میرزا ابوالحسن خان را ملاقات [کردم]، می‌گفت مفخم‌الدوله از پطرزبورگ مستعفی و مأمور رُم شده است. تمام اعضای سفارت ایران در پطرزبورگ تغییر خواهند کرد. خود ابوالحسن خان هم تا دوشنبه به پطرزبورگ مراجعت می‌کند.

تهیه مقاله

شنبه ۳۰ ژوئن - پیش از ظهر دو نفر از نمایندگان عثمانی به دیدن نگارنده آمده ساعتی با آنها صحبت می‌کردم. از قرار معلوم متفقین موضوع ارامنه را در اینجا به پروپاگاندا گذاشته و زمینه حمله شدیدی را به عثمانیها حاضر کرده‌اند. بعد از ظهر مقاله بالنسبه مفصل راجع به نظریات ملیون و آزادیخواهان ایران و سوء سیاست روس و انگلیس راجع به ایران حاضر کرده که پس از ترجمه به زبان سوئدی برای درج روزنامه‌جات استکهلم فرستاده شود. چند نامه نیز به تهران نوشته [شد] که به توسط قونسولخانه ایران در استکهلم فرستاده شود.

نمایندگان عثمانی

یکشنبه ۱ ژوئیه ۱۹۱۷ - صبح زود چائوی هندی و هیل ایرلندی را ملاقات کردم. از قرار گفته آنها نماینده‌های سوسیالیستهای روس تا روز سه‌شنبه وارد استکهلم می‌شوند. بایستی از پطرزبورگ حرکت کرده باشند. از همراهی که اکثر سوسیالیستها با انگلیسها دارند شکایت می‌کرد. از قرار اظهار اینها حتی چند نفر از سوسیالیستهای آلمان هم به انگلیسها تمایل دارند. سپس به گراند هتل به ملاقات نمایندگان عثمانی عاقل مختاریک و علی حسن‌بیک رفتم. تمجید از اعلامیه ما که در روزنامه‌های سوئدی درج شده بود می‌کردند که هم خوب و هم صحیح نوشته شده و رویهمرفته برای مردم عثمانی هم مفید است و می‌توانند از آن استفاده

کنند. از قرار معلوم عاقل مختاریک با طلعت پاشا به برلن آمده و نماینده کمیته سوسیالیستها در استانبول می‌باشد. قرار گذاشتم هر وقت آنها به سفارت عثمانی برای دیدن وزیر مختار می‌روند با هم برویم. فعلاً وزیر مختار کسالت دارد و کنار دریا نیم ساعتی استکهلم می‌باشد.

زالس بادن

ساعت یازده صبح با حمیدخان به زالس بادن که بیلاق استکهلم می‌باشد و نیم ساعت با شهر فاصله دارد، رفتم. از مقابل قصر سلطنتی به کشتی نشسته، یک ساعت و نیم تا آنجا در آب می‌رود. تمام راه راکشتی از داخل تنگه‌ها و جاهای بسیار باصفا می‌گذرد که چشم را لذت به خصوص می‌دهد. در زالس بادن در گراند هتل آنجا نهار صرف کرده و ساعتی استراحت کردیم. خانم مفخم‌الدوله در همین هتل منزل دارد. میرزا ابوالحسن خان [را] هم که در اینجا است ملاقات کردیم. باز مفصل از اوضاع روسیه صحبت می‌کرد. از قرار معلوم همین دو روزه به پطرزبورگ می‌رود. ولی خانم مفخم‌الدوله می‌ماند تا خود او بیاید و با هم به ایتالیا بروند.

گرفتاریهای روسیه

گفته‌های او راجع به روسیه با مندرجات روزنامه‌ها راجع به آن کشور تطبیق دارد. به‌طور کلی فقدان نظم، عدم مرکزیت، وجود آنارشی، برطرف بودن دیسیپلین، احساسات حاد علیه متفقین، تمایل عموم مردم به صلح و دست دراز کردن به طرف آلمانها، مرتفع بودن ارگانیزاسیون، ناامنی طرق و شوارع در روسیه حکمفرما است. از قنسول ایران در بادکوبه خیلی شکایت می‌کرد. در آنجا افتضاح غربی واقع [شده]، ایرانیها جمع شده و می‌خواستند قونسولخانه را خراب کنند.

حملات روسها

ساعت نه و چهل دقیقه بعد از ظهر باترن به استکهلم برگشتم. واندرولد بلژیکی نماینده سوسیالیستهای بلژیک امشب از استکهلم حرکت کرده است. صبح خواستم او را ملاقات کنم ولی موفق به ملاقات او نشدم. از قرار خبری که امروز از طرف روسیه رسیده روسها در طرف گالیسیای شرقی به حملات پرداخته‌اند. یقیناً این حمله از طرف روسها با فشار انگلیسها صورت گرفته است. از قرار راپرت روزنامه‌ها نمایندگان روسیه پس فردا وارد استکهلم می‌شوند.

ملاقات با منشی کنفرانس

دوشنبه ۲ ژوئیه - صبح ساعت ده و نیم ملاقات مفصل و مهمی با هوئسمان بلژیکی منشی کنفرانس به جا آوردم. اوضاع ایران و تخطیات روس و انگلیس نسبت به ایران و تقاضاهای خودمان را به طریق اختصار برای او بیان کردم و خیلی ملاحظه کردم بیانات اینجانب از روی بی طرفی باشد که برخوردی به متفقین نکند. نظریات راجع به انگلیسها و روسها هم که اظهار شد تا حدی ملایم بود. ولی به سیاستی که این دو دولت راجع به ایران اتخاذ کرده [اند] حمله کردم. پرسید موسیو نوس بلژیکی چه نوع آدمی بود، گفتم آدم باهوش و فعالی بود ولی متأسفانه آلت دست روسها شده بود. گفت با انگلیسها همراهی می‌کرد. گفتم گمان نمی‌کنم زیرا در آن روزها سیاست روس و انگلیس در ایران بر ضد همدیگر کار می‌کرد و موسیو نوس در دست روسها بود و به توسط او مقررات مفیدی به نفع روسها در وضع گمرکی ایران ایجاد شد. گفت مخصوصاً استفسار حال موسیو نوس را کردم برای اینکه ما هر دو از یک محل و با هم آشنا هستیم. می‌گفت من هم خیلی با او صحبت کرده و سعی کردم مسلک او را راجع به ایران تغییر دهم. موسیو هوئسمان در جواب اظهارات نگارنده

گفت من شخصاً با ایران و نظریات شما همدردی دارم، مکرر هم راجع به ایران صحبت کرده‌ام و با انگلیسها هم مذاکره و تا حدی آنها را هم همراه نموده‌ام. خوب است شما خودتان را به کلی بی طرف نموده و داخل کشمکش بین‌المللی امروزی نشوید. از کارکنان آلمانی هم اجتناب نمایید. در پایان مذاکرات ما موسیو هوئسمان این یادداشتها را برای خود در کتابچه ثبت نمود.

اول. عنقریب که به پترزبورگ می‌رود خلاصه مذاکرات ما را برای وزیر امور خارجه روس بیان کرده او را تشویق خواهد نمود که اظهار رسمی راجع به ایران نماید.

دوم. نمایندگان سوسیالیست روس که به اینجا می‌آیند با آنها راجع به نظریات نگارنده راجع به ایران مذاکره خواهد کرد و سعی می‌کند بلکه یک جلسه مشترکی برای مذاکرات با اینجانب ترتیب [دهد] که در آن اگر انگلیسها هم آمده باشند شرکت کنند.

سوم. انتشار این نظریات راجع به ایران در مطبوعات بین‌المللی سوسیالیستها.

چهارم. در صورت امکان نشر بولتن مختصری راجع به ایران. پنجم. مذاکرات کمیته سوسیالیستها با مراکز روس و انگلیس راجع به ایران و نظریات ملیون ایران.

پس از ختم مذاکرات از او تشکر کرده با اطمینان به موفقیت آتیه خداحافظی کردم. در ضمن صحبت از نگارنده پرسید آیا اگر ایران به حال خودش گذاشته شود خواهد توانست کار خودش را اداره کند و کشور را در شاهراه ترقی با اصول دموکراسی اداره نماید؟ به او اطمینان دادم که ایرانی می‌تواند بدون شک کشور خودش را اداره کند، به شرط اینکه نفوذ خارجی به کلی مرتفع و تحریکات دولتین با عناصر فاسده و تهدید و فشار آنها برطرف شود. گفت خبر دارم عده زیادی از ایرانیان در خارجه

تحصیل کرده و به کشور خود برگشته‌اند. پرسید چند وقت است که دیگر مجلس ملی ایران منعقد نشده است. گفتم از ماه نوامبر ۱۹۱۵ که قشون روس از قزوین به طرف تهران حمله کرد و آزادیخواهان و ملیون ایران به اطراف پراکنده شدند، دیگر مجلس منعقد نشده است. گفت شاه ایران چه نوع آدمی است؟ گفتم بسیار نیک‌نفس و برخلاف پدرش پیوسته تمایلات آزادیخواهی و میهن‌دوستی ابراز داشته است.

یونان و آلمان

ابوالحسن خان را بعد از ظهر ملاقات کردم. می‌گفت فردا شب حتماً به طرف پطرزبورگ حرکت می‌کند. از قرار راپرت متفقین حکومت یونان رابطه خود را با آلمان و متحدین قطع کرده است. وزیر مختار یونان در برلن به سوی یونان حرکت کرده است. از قرار معلوم نمایندگان روسها فردا وارد استکهلم می‌شوند.

ورود نمایندگان روسیه

سه شنبه ۳ ژوئیه - صبح ساعت ۹ در اطاق نشسته بودم صدای صحبت و آمد و رفت زیاد در سرسرا شنیده شد، معلوم شد نمایندگان روسیه وارد شده و در همین هتل منزل کرده‌اند. سه نفر مرد و یک زن. اسم مردها را از پطرزبورگ هم تلگراف کرده بودند. گلدنبرگ، روزنو و ارمیرنو. عده‌ای از روسهای مقیم استکهلم هم به استقبال آنها رفته با آنها به این هتل آمده بودند. یکی از آنها موسوم به ونگبرگ نماینده انجمن کارگران و سربازان روس در اینجا می‌باشد و در استکهلم هم دفتری باز کرده [است] و اعلامیه هم اشاعه می‌دهد. خواستم به توسط ونگبرگ که با او آشنا شده‌ام با نمایندگان روس شناسایی پیدا کنم. گفت امروز ممکن نیست گویا می‌خواهند قبلاً خودشان را به مطبوعات و جاهای لازم معرفی کنند. پیش

از ظهر هویسمان را ملاقات کردم و از او خواهش کردم من را با حضرات آشنا کند. گفت من هنوز حضرات را ندیده‌ام، خوب است یکی دو روز تأمل کنید وسیله معرفی و ملاقات با آنها را فراهم کرده، خبر می‌دهم.

ملاقات پترسن - اعلامیه ایران

پیش از ظهر پترسن تلفن کرده از نگارنده احوالپرسی کرد. او را به ناهار دعوت کردم و با هم ناهار صرف کردیم. می‌گفت فردا به خارج شهر رفته و تا یک هفته خارج خواهد بود. قرار شد ساعت پنج و نیم مجدداً به هتل بیاید، صورت روزنامجات مهم اسکاندیناوی را برای معرفی و طبع اعلامیه ما بدهد. دیگر اسامی چند نفر را برای ملاقات معین نموده تا با آنها راجع به ایران مذاکره کنم، تا برای افکار عامه سودمند باشد. ساعت پنج و نیم ایشان را ملاقات کردم. صورت روزنامه‌های مهم را با خود آورده بود. چند نفر را هم اسم داد که آنها را ملاقات و با آنها راجع به ایران مذاکره کنم. به کمپانی «گوست» هم تلفن کردیم، قطعات جراید سوئد را که راجع به ایران از اواخر ژوئن تا اواخر ژوئیه اخبار درج کرده یا خواهند کرد، برای نگارنده بفرستند. برای هر قطعه پانزده آر می‌گیرند. قریب بیست و پنج روزنامه استکهلم و ولایات خلاصه اعلامیه ما را طبع کرده‌اند. امروز اعلامیه ایران را که به سه زبان چاپ شده برای کلیه نمایندگان سوسیالیست فرستادم.

چهارشنبه ۴ ژوئیه - صبح تا ظهر مشغول نوشتن و حاضر کردن یادداشتها برای درج در مطبوعات سوئد بودم. تقریباً برای پنجاه روزنامه بالنسبه مهم که در استکهلم و ولایات اطراف طبع و نشر می‌شود فرستادم. بعد از ظهر گرینبرگ وکیل دادگاه و دوست پترسن به ملاقات نگارنده آمد و قریب دو ساعت اینجا بود. هنوز او نرفته بود که چائوی هندوستانی وارد شد. مفصل از وضع هندوستان و هندوستانیها صحبت کرد. گرینبرگ

اسامی چند نفر از نویسندگان را داد که با آنها ملاقات [کنم] و آنها را نسبت به اوضاع ایران آشنا سازم.

دیدار با اکستروم

بعد از اکستروم یکی از افسران سوئدی که در ایران بود به ملاقات نگارنده آمد. فارسی را به خوبی یاد گرفته و حرف می‌زند. تا کرمان و بلوچستان هم رفته. از ایران تعریف و تمجید می‌کند. می‌گفت پارسال پس از مراجعت از ایران و مراجعت از طریق کرمانشاه و بغداد، پنج ماه در رژیم خودش خدمت نظامی کرده بعد دیگر بیکار [شده] است، پدرش از او نگاهداری می‌کند. منزلشان تا استکهلم سه ساعت راه است.

هندنبورگ و اتریشیها

حمله روسها از قرار معلوم ادامه دارد، جزئی پیشرفتی کرده‌اند و از قرار راپرت خودشان قرب شش هزار اسیر از آلمانها و اتریشیها گرفته‌اند. هندنبورگ اخیراً در وینه بوده با فرمانده کل قوای اتریش برای تکمیل نقشه‌های جنگی مذاکراتی داشته است. در وینه در یک مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید جنگ برای آلمان و متحدین به مظفریت ختم می‌شود. آلمان موقعیت خودش را حفظ خواهد کرد تا عملیات تحت‌البحری، متفقین را مجبور به صلح و تصدیق مظفریت متحدین بنماید.

ملاقاتها

پنجشنبه ۵ ژوئیه - صبح ساعتی به نامه‌نویسی مشغول بودم و ضمن نامه‌هایی که به ایران نوشتم، نامه‌ای به عنوان آقای مؤتمن‌الملک و نامه‌ای دیگر برای ارباب کیخسرو [نوشتم] و از آنها احوالپرسی کرده و از حالت خود آنها را مطلع ساختم. سپس چائوی هندی را ملاقات کردم. می‌گفت

روسها با یک آلمانی صحبت کرده می‌خواهند بدانند شرایط صلح آلمان چه خواهد بود. بعد از ظهر اکستروم مجدداً به ملاقات اینجانب آمد، با او صورتی از تمام افسران سوئدی که به ایران رفته و در خدمت ایران بوده‌اند و حالا چه اکتیف و چه ذخیره و چه پلیس، ترتیب داده [شد] با آنهایی که در استکهلم یا اطراف استکهلم هستند ملاقات کنم.

شام با حیدر عمو اوغلی

نامه‌ای به کلنل یالمارسن نوشته از او خواهش کردم هر وقت به شهر می‌آید او را ملاقات کنم. نامه دیگری هم به ماژور فولکه نوشته و از ایشان هم طلب ملاقات کردم. شام را با حیدرخان عمو اوغلی صرف کردم و تا ساعت یازده با هم بودیم. می‌خواهد به روسیه برود ولی هنوز اجازه تحصیل نکرده است.

ملاقات با گلدنبرگ روس

جمعه ۶ ژوئیه - پیش از ظهر با گلدنبرگ یکی از نمایندگان روسی که در همین هتل [اقامت دارد] ملاقات و صحبت کردم. می‌خواستم روزنور را ملاقات کنم، خود او گلدنبرگ را معین کرد که فرانسه خوب می‌داند و خوب است با او با فرانسه صحبت کنید. مفصل با گلدنبرگ راجع به ایران و تجاوزات روس و ضربتهایی که به ایران وارد آورده و به خصوص عملیاتی را که روس و انگلیس توأمی پس از سال ۱۹۰۷ و انعقاد قرارداد آن سال در ایران صورت داده و امتیازاتی را که به زور از دولت ایران گرفته‌اند برای او شرح دادم. آدم بی‌اطلاعی به نظر نمی‌آمد. از رفتار روس در ایران خوب خبر داشت. می‌گفت به همین ترتیب در خارج رفتار می‌کردند و از ممالک به دزدی می‌بردند تا در داخله مملکت بتوانند هر چه می‌خواهند ظلم بکنند و مردم را زیر پا نگاه دارند. حالا دیگر پشت استبداد در روسیه

شکسته شده، کار در دست انقلابیون است. دولت روس دیگر نخواهد توانست این نوع تعدیات را در خارج ادامه دهد. مخصوصاً نفع انقلابیون در این است که ایران را حفظ کنند و نگذارند آن کشور پناهگاه روس‌های مخالف انقلاب واقع شود. می‌گفت خوب است هر چه زودتر انتخابات را صورت دهید و مجلس شورای ملی در تهران منعقد شود. قشون روس نه فقط دخالتی در انتخابات نخواهد کرد بلکه حاضرند کمک هم بکنند. از قراری که شنیده بود می‌گفت قشون روس با مردم ایران خود را نزدیک کرده‌اند] و با هم به طریق برادری راه می‌روند. قشون امروزی روس قشون دیروزی نیست. به کلی دموکرات شده. در هر جا خودشان یک کمیته دارند و از کمیته خودشان فرمان می‌گیرند و کاری به فرمانده کل ندارند. فرمانده قفقاز هم معزول شده و تمام آن حدود در دست کمیته محلی است که با کمیته قفقاز مشورت می‌کند. می‌گفت اخیراً یکی از افسران که از فرونت قفقاز اوائل ژوئن حرکت کرده بود گفت تخلیه ایران عجالتاً ممکن نخواهد بود زیرا اگر روسها تخلیه کنند فوراً عثمانیها جای آنها را خواهند گرفت. خود ایرانیها هم به چنین امری حاضر نیستند که قشون دموکرات شده روس را از دست بدهند و به چنگ قشون عثمانی بیفتند. هنوز مردم چپاؤل‌های قشون عثمانی را فراموش نکرده‌اند.

روس و دموکرات و تخلیه ایران

بالاخره نتیجه مذاکرات این شد که روس دموکرات به تمام عالم اخطار می‌کند که دیگر هیچ‌گونه تخطی نه فقط در ایران بلکه در هیچ جای دیگر نخواهد کرد. نمایندگان که به استکهلم آمده‌اند در این موضوع اطمینان می‌دهند، به پترزبورگ هم سفارش می‌نویسند هر چه زودتر اعلامیه رسمی در این زمینه بدهند که اسباب خاطر جمعی ایرانیها بشود. ولی در خصوص تخلیه ایران امروز نمی‌توانند قولی بدهند، زیرا موضوع امور

نظامی است و چنان که گفته شد برای خاطر جلوگیری از تجاوزات عثمانی مجبورند که این فرونت را نگاه دارند تا صلح در میان آید. به خصوص که گمان می‌رود تخلیه روس باعث اشغال عثمانی خواهد شد. می‌گفت عنقریب کرنسکی به فرونت ایران و قفقاز خواهد رفت و اگر در آنجا لازم دید بعضی از مراکز ایران را امر به تخلیه خواهد داد. می‌گفت همین فردا دو نفر دیگر از رفقا وارد استکهلم خواهند شد و پنج نفری یک قطعنامه راجع به ایران تنظیم و به پترزبورگ خواهند فرستاد که جزء پروگرام کمیته بگذارند.

ملاقات روزنامه‌نویسها

امروز یادداشت‌هایی که برای مطبوعات تهیه کرده بودم تکمیل کردم و تقریباً هشتاد نسخه برای روزنامجات مختلف فرستاده شد. بعد از ظهر مدیر و سردیر دو روزنامه مهم یومیه استکهلم را ملاقات کردم. یکی دکتر رمن مان سردیر روزنامه معروف استکهلمز تی دینگن که در این جنگ تقریباً بی طرف است، نه طرفداری از متحدین می‌کند نه طرفداری از متفقین. یک ربع ساعت با او صحبت کردم. می‌گفت مطلب خیلی زیاد داریم و جا بالنسبه کم رلی سعی می‌کنم هر طور شده یک مقاله‌ای راجع به ایران بنویسم. مقاله‌ای را نشان داد که کلنل یالمارسن راجع به ایران و جنگ اروپا در آن روزنامه نوشته است. می‌گفت چون حمله سخت به روسها و انگلیسها کرده است بر ضد بی طرفی روزنامه عمل شده است.

روزنامه‌نگار دیگر

یک ساعتی نیز با سردیر و مدیر روزنامه داگتر نی تییر موسوم به دکتر سیمون براندل مذاکره کردم. مسلک این روزنامه به طور کلی طرفداری از متفقین است. ولی خود دکتر براندل باطناً طرفدار آلمان به نظر می‌آید و با

ایران هم خیلی اظهار دوستی می‌کرد. زبان آلمانی و فرانسوی را خوب حرف می‌زند، وعده داد هر چه از دستش برآید در روزنامه خود راجع به ایران انجام دهد. می‌خواست بداند اگر ایران کاملاً به خود گذاشته شود از عهده کار برخوردار آمد یا آنکه به طرف ارتجاع و عادات قدیم برگشت خواهد نمود.

نظر وحیدالملک

معلوم است نظر نگارنده در این موضوع چه بود و چه عقیده در مقابل سؤال او اظهار کردم: اگر ایران به حال خود گذاشته شود و از اطراف فشاری به ایران وارد نیاید و مداخله در کار ایران نکنند و سیاست مداخله در کار ایران را کنار بگذارند، ایران با سرعت در خط ترقی و آزادیخواهی پیشرفت خواهد نمود. یک موضوع هم به نظریات نگارنده کمک می‌کند و آن موضوع تبلیغاتی است که از طرف افسران ژاندارمری سوئدی که در ایران بوده و به میهن خود بازگشته‌اند به نفع ایران [می‌شود] و تا حدی زمینه مساعدی برای پیشرفت نظریات ملیون و آزادیخواهان ایران را در اینجا حاضر کرده‌اند. بالاخره [از] وعده‌ای که از طرف سردبیر نامبرده در مساعدت به پیشرفت نظریات ماداده [شد] سپاسگزاری کرده‌ام و جدا شدم.

نگارش دو نامه

شنبه ۷ ژوئیه - امروز دو نامه یکی به آقای مفخم‌الدوله در پترزبورگ و دیگری به آقای نواب در برلن نوشته آنها را از مذاکره با نمایندگان روس مطلع کردم که حکومت تهران را از این مذاکرات مطلع نمایند. به آقای مفخم‌الدوله سفارش کردم که اگر مقتضی می‌داند و زمینه مساعد را ملاحظه می‌کنند اقداماتی هم در پترزبورگ بجا آورند تا بلکه تا موقع از دست نرفته استفاده صحیح برای ایران بشود، اگر اعلامیه‌ای هر چه زودتر

راجع به ایران از طرف روسیه صادر بشود اسباب تشویق و قوت قلب ایرانیها خواهد بود. نیز از آقای نواب هم خواهش کردم که موضوع را هر چه زودتر تلگرافاً به تهران اطلاع دهند.

انقلابیون روسیه

بعد از ظهر به قونسولخانه ایران در استکهلم رفتم. خبر مهمی از جایی نداشتند. خبر مهمی هم این چند روزه از میدانهای جنگ نرسیده است. حالا آلمانها کم‌کم به حمله پرداخته و زمینهایی [را] که از دست داده‌اند پس می‌گیرند. از اوضاع روسیه خبر مهم و صحیحی این دو روزه نرسیده، گویا متفقین کوشش می‌کنند جلوی انقلاب را گرفته و ارتجاعیون را هر چه می‌توانند تقویت کنند. نمایشهای مخالف در پترزبورگ داده می‌شود. ظاهراً به نظر می‌آید انقلابیون قوت گرفته [اند] و حکومت جدید را مجبور به فراهم نمودن وسایل صلح خواهند نمود.

ملاقات با گلدنبرگ

یکشنبه ۸ ژوئیه - امروز مجدداً گلدنبرگ را ملاقات کردم. اظهار می‌کرد دیروز دو نفر از مأمورین روسیه وارد و حالا دیگر عده آنها تکمیل شده. در جلسه شب گذشته که منعقد شده بود اظهارات اینجانب را مطرح مذاکره قرار داده و به طور دلخواه قطع کردند که راجع به ایران باید اعلامیه مطلوب اشاعه یابد. همین دو روزه سواد تصمیم‌نامه خودشان را با سفارشات لازم با قاصد مخصوص به پترزبورگ می‌فرستند. امید است نتیجه مطلوب حاصل شود.

اهمیت انقلاب روس

شماره دوم بولتن انجمن کارگران و سربازان روس رسیده، شرحی از هدف مأمورین روس که به استکهلم آمده‌اند ذکر می‌کند. بیشتر برای

جلب افکار دموکراسی بین‌المللی، اهمیت بسیار به انقلاب روس داده و در حقیقت زمینه را برای پایان دادن به جنگ و ایجاد صلح عمومی از نظر انقلابیون روس مطمح نظر آنها می‌باشد.

نامهٔ ماژور پراویتز

نامه‌ای از ماژور پراویتز سوئدی که مدتی فرماندهٔ رژیمان سوم ژاندارمری در شیراز بود واصل [شد]، اظهار همدردی با ایران کرده، خواستگار ملاقات اینجانب شده است.

گردش با حیدرخان

دیروز آلمانها حملهٔ سختی از هوا به شهر لندن و شهر ساحلی انگلیس به نام مارگیت کرده خسارات زیاد به این دو محل وارد آورده‌اند. پیش از ظهر حیدرخان عمو اوغلی به ملاقات اینجانب آمده و تا ساعت یازده شب با هم بودیم و به اتفاق به سالزبان رفتیم. در راه نمایندگان عثمانی را ملاقات و با آنها قدری صحبت کردم. قرار شد فردا ساعت چهار و نیم بعد از ظهر عاقل مختاریک را ملاقات [کنم] و با هم به دیدن وزیر مختار عثمانی که در خارج شهر است و هنوز کمی کسالت دارد برویم.

جواب پراویتز

دوشنبه ۹ ژوئیه - صبح کاغذی به آقای نواب نوشته شرح دومین ملاقات خود را با گلدنبرگ برای ایشان داده، خواهش کردم به تهران تلگراف کنند. جواب نامهٔ ماژور پراویتز که با ایران همدردی بسیار و با نظریات ما همفکری کرده بود دادم.

استعفای صدر اعظم آلمان

در آلمان این دو روزهٔ اخیر وقایع بالنسبه مهمی روی داده؛ روز شنبهٔ

گذشته حملات سختی در رایشتاگ به صدراعظم آلمان شده و از قرار معلوم صدراعظم استعفا می‌دهد و اگر استعفا هم ندهد او را مجبور به استعفا دادن خواهند کرد. هندنبورگ هم با معاون کل خودش به برلن برای مذاکرهٔ مهمی با امپراتور آمده، معلوم نیست چه فکری در نظر دارند که روی آن عمل نمایند.

روز هفتم ماه روسها باز به حملاتی می‌پردازند ولی از قرار معلوم تلفاتی برداشته و شکست می‌خورند. اعلامیهٔ آلمان و اتریش هر دو از شکست سخت قشون روس ذکر می‌کند.

ملاقات با ترکها

بعد از ظهر حسب‌الدعوه به گراند هتل رفته با عاقل بیک و علی حسین بیک^۱ مأمورین عثمانی ملاقات [کردم] و با آنها به خارج شهر به محلی موسوم به دیورز هلم برای ملاقات سفیر عثمانی رفتم. از قراری که گفتند همین امروز از این محل حرکت کرده و به شهر مراجعت نموده است، میسر نشد او را ملاقات کنیم. قرار شد عاقل مختاریک وقت معین کرده اطلاع دهد تا او را ملاقات کنیم.

مطالب نامهٔ مفخم‌الدوله

بعد از ظهر از قونسولخانهٔ ایران تلفن کردند که نامه‌ای از آقای مفخم‌الدوله توسط وزارت خارجهٔ سوئد برای اینجانب رسیده است. خواهش کردم آن را گرفته برای اینجانب به هتل بفرستند. طولی نکشید که این نامه در هتل واصل شد. این نامه بیشتر شکل یک مقاله حاوی مطالب زیاد که به طور خصوصی ایشان برای اطلاع اینجانب نوشته‌اند، می‌باشد. مندرجات این نامه به طور خلاصه از این قرار است:

اول، خود مفخم‌الدوله از سفارت پترزبورگ مستعفی و به سفارت رم

۱. پیشتر علی حسن بیک ثبت شده است.

منصوب [شده است] و تا دوشنبه دیگر از پترزبورگ حرکت خواهد کرد که از طریق آلمان و سوئیس به طرف مأموریت خود برود.

دوم، جانشین ایشان هنوز معلوم نشده است. حکومت سابق اگرمان برای مشاورالممالک خواسته ولی گویا حکومت حاضر انتصاب او را قبول نکرده. در نظر دارد قنصل آزادی طلبی را بدین سمت منصوب نماید. خود مفخم الدوله پیشنهاد کرده است که آقای [مهدی] مشیرالملک را به پترزبورگ و مشاورالممالک را به لندن منصوب کنند.

سوم، قریب سی نسخه از اعلامیه ما خواسته اند که به توسط وزارت خارجه سوئد برای ایشان فرستاده شود که تا حرکت نکرده اند آنها را به جاهای لازم تقسیم کنند.

چهارم، کابینه جدید تهران بدین ترتیب تشکیل شده است: علاءالسلطنه رئیس الوزرا [و] وزیرامورخارجه؛ مشیرالدوله وزیرجنگ؛ مستوفی الممالک وزیر مشاور؛ محتشم السلطنه وزیر مالیه؛ مستشارالدوله وزیر داخله؛ ممتازالدوله وزیر عدلیه.

پنجم، کابینه جدید اعلان انتخابات مجلس شورای ملی را داده [است] و از قرار معلوم می خواهد هر چه زودتر مجلس شورای ملی منعقد گردد. ششم، وثوق الدوله و سپهسالار هر دو عاجلاً بیکار و مورد تعرض سخت مردم می باشند.

هفتم، به قرار معلوم کابینه تازه در صدد است اقدامات مؤثری نشان دهد. رسماً اعلام کرده اشخاصی که در تحت حمایت روس بوده اند از کار خارج [می شوند] و هیچ اغماضی نسبت به آنها نخواهد شد. قرار است از اتباع روس هم که در ایران هستند مالیات بگیرند. راجع به امتیازاتی که روس و انگلیس در سنوات اخیر به دست آورده اند، می خواهند اعلان کنند که صحت آنها پس از تصدیق مجلس شورای ملی اعلان خواهد شد. هشتم، با اقدامات مفخم الدوله تقریباً تمام محبوسین ایرانی را در

روسیه آزاد کرده اند، چند نفر دیگر باقی است که وعده خلاصی آنها داده شده است. حکمی نیز از طرف حکومت فعلی روسیه صادر [شده است] که مأمورین روسیه در ایران نباید اصلاً به کارهای داخلی و حکومت ایران مداخله نمایند والا مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

نهم، در غالب شهرهای مهم ایران از قبیل تهران، مشهد، تبریز، و غیره کمیته هایی مرکب از تجار و اهل کسب تشکیل شده [است] که به کارهای محلی رسیدگی نمایند. چند نفر از مأمورین خارجه مجبور به ترک مأموریت از ایران شده اند.

دهم، وزیر مختار روس که اخیراً از تهران احضار شده بود به تهران مراجعت نموده، از قرار معلوم دستور عدم مداخله در امور ایران به او داده شده است.

یازدهم، حکومت و کلیه دوائر جدید روسیه با ایران همراهی دارند و سوسیالیستها در این خصوص اعلامیه ای هم اشاعه دادند.

دوازدهم، دولت فعلی روسیه عاجلاً هیچ نفوذی در ایران اعمال نمی کند و به این واسطه از نفوذ دولت انگلیس هم کاسته شده است.

سیزدهم، چند ترور در تهران واقع شده و مقتولین متکی به سیاست انگلیس بوده اند.

چهاردهم، از قرار اخباری که از ایران رسیده اخیراً همدردی فوق العاده ای برای روسها پیدا شده و بعضی از روسها که در ایران اقامت دارند برای ایران [فکر] جمهوریت اشاعه می دهند.

پانزدهم، به عقیده آقای مفخم الدوله بد نیست که نگارنده شرحی از تقاضاهای دولت ایران به خصوص آزادیخواهان و ملیون ایران نگاشته با نسخه ای از اعلامیه که قبلاً اشاعه شده به حکومت موقتی روسیه بفرستم و به علاوه ممکن است به همین ترتیب شرحی به وزیر امور خارجه فعلی روسیه و کمیته کارگران و سربازان و نیز برای کلیه وزرا [ی] فعلی روسیه

فرستاده شود و بعلاوه اگر ممکن است خلاصه مطالب تلگرافی برای هیئت موقتی حکومت روسیه مخابره شود.

دو نامه مفصل

سه شنبه ۱۰ ژوئیه - صبح دو نامه مفصل نوشته یکی به آقای مفخم الدوله جواب نامه مفصل دیروز ایشان، نامه دیگر به آقاسید حسین اردبیلی. از مذاکرات خود در اینجا اطلاعاتی به آنها دادم که هر قدر می توانند نظر ما را انتشار داده در روزنامه‌ها به چاپ برسانند. نامه دیگری به آقای نواب نوشته سواد نامه آقای مفخم الدوله را برای ایشان فرستادم و خواهش کردم، تلگرافی به تهران مخابره کرده از مذاکرات اینجانب با سوسیالیستها، حکومت تهران را مطلع سازند و اگر حکومت فعلی تهران دستور و نظر مخصوصی دارد هر چه زودتر اطلاع دهند. در همین زمینه به آقای مفخم الدوله نوشتم که به تهران تلگراف کرده، از مذاکرات اینجانب حکومت تهران را مطلع سازد. این نامه‌ها را به توسط قونسولخانه ایران به پترزبورگ و برلن فرستادم.

میرزا محمد علی خان ممتاز

پس از نهار میرزا محمد علی ممتاز را دیدم. گویا از تاجرزاده‌های تهران است. پارسال در وسط تابستان وقتی که عثمانیها به قزوین نزدیک شده بودند از تهران حرکت کرده بدین جا می آید. ده ماه است که در استکهلم متوقف است. می گفت عضو فرقه دموکرات تهران می باشد.

غرق کشتیهای متفقین

هندنبورگ از قرار معلوم مذاکرات خود را با امپراتور پایان داده و دوباره به محل خود مراجعت کرده است. از قرار اخبار آلمانها تحت البحریهای

آلمان در ماه ژوئن متجاوز از یک میلیون تن کشتیهای تجارتي متفقین را غرق می کنند.

مقاله کلنل یالمارسن

چهارشنبه ۱۱ ژوئیه - صبح چائوی هندی را ملاقات و مدتی با او صحبت کردم. اداره‌ای گرفته است و عنقریب شروع به کار خواهد کرد. می گفت همین دو روزه نامه‌ای علیه برانتین انتشار داده حملات خود را علیه انگلیسها و دفاع از ملیون هند شروع خواهد نمود. دیروز مقاله کلنل یالمارسن در روزنامه استکهلمزتی دینگن در دفاع از ایرانیان علیه سیاست روس و انگلیس منتشر شده بود. به روسها و انگلیسها خوب تاخته است.

نظریات ما

بعد از ظهر از اداره کمیته سوسیالیستهای اسکاندیناوی و هلندی تلفن کرده، نگارنده را دعوت کرده اند، فردا ساعت یازده به اداره آنها بروم. محقق برای نظریات ما راجع به ایران و اوضاع ایران است. لذا دو ساعتی وقت خود را صرف کرده، مختصری از اوضاع ایران و نظریات خودمان را روی کاغذ آوردم. در دو قسمت. قسمت اول در تخطیات روس و انگلیس نسبت به ایران و قسمت دوم، نظریاتی که ما آزادیخواهان و ملیون ایران داریم و آنچه را که ما خواستگاریم. برای دادن توضیحات این یادداشت کافی خواهد بود.

تعویض گارد

ظهر به تماشای تعویض گارد در قصر سلطنتی رفتیم. شبیه به تعویض گارد در وینه می باشد؛ دو دسته سرباز سواره و پیاده با موزیک تا نزدیک قصر می آیند در آنجا با سربازهای سر خدمت تغییر مکان می دهند، پس از نیم

ساعت وقت و زدن قدری موزیک نظامی تعویض تکمیل می شود. پا زدن سربازان سوئدی شبیه پا زدن سربازهای اتریشی است و با تشریفات زیاد تغییر گارد صورت می گیرد.

گردش واکس هلم

بعد از ظهر میرزا محمدعلی ممتاز با حمیدخان به منزل اینجانب آمدند. آنها هم از بی خبری از ایران شکایت دارند. ساعت چهار بعد از ظهر به معیت آنها با کشتی اکسپرس به واکس هلم رفته و ساعت شش با همان کشتی مراجعت کردیم. واکس هلم در بیست و پنج کیلومتری شمال شرقی استکهلم واقع است. تمام راه از وسط بغازهای تنگ و باصفا می گذرد. خود واکس هلم ده کوچکی است چندان وسعتی هم ندارد ولی رفتن بدان جا از وسط بغازها بسیار خوش و مفرح می باشد. شام را با حیدرخان صرف و تا ساعت یازده با هم بودیم. به تی برگارتن استکهلم رفتیم جای بسیار باصفایی است.

در جلسه اعضای کمیته

پنجشنبه ۱۲ ژوئیه - برحسب قرار دیروز ساعت یازده به محل کمیته سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی رفتیم. دکتر فریدبیک از طرف مصریها در آنجا بود. پس از چند دقیقه او بیرون رفت و اینجانب را دعوت به اطاق کمیته کردند. شش نفر از اعضای کمیته حاضر بودند بدین طریق؛ برانتین رئیس کمیته، هویسمان منشی و تروثلسترا، مولر و سودربرگ و الگبرگ. تمام اعضا از جای برخاستند، با کمال ادب با اینجانب دست داده نشستیم. رئیس گفت با چه زبانی حرف بزنیم؟ گفتم از سه زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی، هر کدام را مناسب [بدانید] می توانیم در آن صحبت کنیم. گفت بسیار خوب. زبان انگلیسی خودش چندان خوب نیست و یک نفر

دیگر از اعضا هیچ از آن زبان اطلاعی ندارد از برای او ترجمه کند، تقریباً با هر زبانی که حرف زده می شد یکی دو نفر عاری از اطلاع در آن زبان بودند. رئیس گفت این کمیته سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی است و از برای کنفرانس عمومی سوسیالیستها زمینه سازی می کند. تنها اعضا کمیته های سوسیالیست می توانند در مذاکرات این کمیته شرکت کنند. ولی چون امروزه موقع فوق العاده است و مسائل و قضایا راجع به ملتها طرح و قطع خواهد شد کمیته می تواند نظریات ملیون و آزادیخواهان ایران را بشنود و یادداشتی راجع به ایران بردارد و شما را لااقل با هیئتهای مربوط مرابط سازد. کمیته نمی تواند قول بدهد که کنفرانس حتماً مذاکراتی راجع به ایران به میان خواهد آورد و یا قطعنامه صادر خواهد نمود. ولی قول می دهیم هر چه از دست ما برآید برای ایران انجام دهیم.

نظریاتی که ابراز شد

پس از نطق آقای رئیس کمیته اینجانب شروع کردم از روی یادداشتهایی که روز قبل ترتیب داده بودم نظریات خود را که نظریات ملیون و آزادیخواهان ایرانی است در دو قسمت بیان کردم. قسمت اول شروع مداخله مستقیم روس و انگلیس متفقاً در ایران از سال ۱۹۰۷ میلادی که قرارداد معروف راجع به ایران میان دولتین روس و انگلیس منعقد شده، صورت می گیرد. این قرارداد ایران را به مناطق نفوذ قسمت کرده ولی در حقیقت دولتین، ایران را میان خودشان تقسیم کرده اند و از آن روز به بعد هیچ موقعی را از دست نداده اند که در امور ایران مداخله مستقیم بجا آورده و حوائج خود را در اضمحلال استقلال ایران انجام دهند. از مداخله در کار ایران همین موضوع کافی است که در سوم ژوئن ۱۹۰۸ دولتین، ملیون و آزادیخواهان ایران را تهدید کرد[ند] که علیه محمدعلی میرزای مرتجع معروف اقدامی نکنند والا با قوه نظامی از او دفاع خواهند کرد. این تهدید عملیات آزادیخواهان را سست کرد و عملیات مرتجعانه شاه

مخلوع [را] تقویت داد. به قسمی که در بیست و سوم ژوئن ۱۹۰۸ مجلس را به توپ بسته، مجلس شورای ملی ایران به دست لیاخوف افسر روسی بسته شد. در اوایل ۱۹۱۰ دولتین روس و انگلیس دو یادداشت سخت به دولت ایران دادند و دولت را قدغن کردند که هیچ‌گونه امتیازی که مخالف منافع و مصالح سیاسی و نظامی آنان در ایران باشد به خارجه ندهد. بعد توضیح داده که مقصود از این‌گونه امتیازات راجع به طرق و شوارع و خطوط تلگراف و بنادر و غیره می‌باشد. در دسامبر ۱۹۱۱ دولت روس به تأیید دولت انگلیس به ایران اولتیماتوم داد و شوستر امریکایی را که مشغول انجام اصلاحات مالیه برای دولت ایران بود از خدمت مالیه ایران خارج [کردند] و از دولت ایران اطمینان گرفتند که من بعد هیچ مستخدم خارجی را بدون مشورت و رضایت دولتین روس و انگلیس در استخدام نپذیرند. در فوریه ۱۹۱۲ دولتین روس و انگلیس دولت ایران را مجبور کردند عهدنامه ۱۹۰۷ را شناخته، سیاست خودش را روی آن بگذارد و قوای نظامی برای خود تهیه نکرده مگر آن قسمت از قوه که برای حفظ نظم لازم است. آن هم باید به مشورت دولتین روس و انگلیس صورت گیرد. در اوت ۱۹۱۶ دولتین روس و انگلیس به ایران پیشنهاد کردند که کمیسیون کنترلی، تحت نظر آنها و اعضای بلژیکی و ایرانی برای کنترل مالیه برقرار [کند] و دو دسته ژاندارم هر یک مرکب از پانزده هزار در شمال و جنوب به سرکردگی روس و انگلیس برقرار شود. خلاصه در این مدت بدبختی ایران؛ دولتین روس و انگلیس با هر حيله و تهدید و اقداماتی که ممکن بوده روز به روز از آزادی ایران کاسته و بر امور خودشان در ایران افزوده‌اند.

قسمت دوم تقاضاهای آزادیخواهان و ملیون ایران:

اول - فسخ و الغای قرارداد ۱۹۰۷ میان دولتین روس و انگلیس به خصوص آن قسمت که راجع به ایران است.

دوم - استرداد کامل آزادی سیاسی و اقتصادی ایران.

سوم - آزادی کامل ایران در مسائل نظامی.

چهارم - آزادی کامل ایران در استخدام مستخدمین خارجه به میل خود.

پنجم - آزادی کامل ایران در استقراض از خارجه.

ششم - آزادی کامل ایران در استقرار هر گونه تعرفه گمرکی به میل خود برای منافع ایران.

هفتم - حفظ استقلال و آزادی در آبهای خود و بنادر ایران و اختیار داشتن سفائن از هر قبیل.

هشتم - آزادی و کنترل تام در معادن خود و فسخ کلیه امتیازات و قراردادهای که مخالف با اصول استقلال و آزادی ایران است.

نهم - آزادی از هر قبیل برای ترقی ایران و استحکام مبانی ملیت ایرانیان.

سؤالات کمیته

پس از ختم اظهارات نگارنده رئیس کمیته چند سؤال کرد که به مناسبت موقع و مصلحت کار خودمان جواب دادم:

اول راجع به مداخله ایرانیها در طرفیت با روسهابه خصوص مداخله ژاندارمری ایران.

دوم، آیا ایران قادر و مایل است که خودش [امور] خودش را اداره کند و در راه تکامل و ترقی قدم بردارد؟

سوم آیا پس از عقب کشیدن روس و انگلیس از ایران آلمان جای آنها را نخواهد گرفت و امتیازاتی به آلمان داده نخواهد شد.

آیا ایران فی الحقیقه می‌خواهد امور خودش را به ترتیبات امروزی اداره کند؟

وضع احزاب سیاسی در ایران چیست؟

آیا احزاب چپ وجود دارند یا خیر؟

وضع شاه چیست و تمایلات او چه صورتی دارد؟
این مذاکرات درست یک ساعت طول کشید.

در خاتمه منشی کمیته گفت با مأمورین روسی هم صحبت کرده آنها همدردی کامل با اینجانب اظهار داشته‌اند. گفت ضرر ندارد از سوسیالیستهای روس خواهش کنید که با دوستان و همقدمان انگلیسی خود راجع به ایران صحبت کنند و افکار عمومی انگلیس را نیز راجع به ایران حاضر نمایند. بعد از ساعت دوازده خداحافظی کرده بیرون آمدم. بعد از ظهر اظهارات خودم را به شکل یادداشت روی کاغذ آورده برای کمیته سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی فرستادم.

وضع جنگ - بمباران استانبول

امپراتور آلمان دیروز فرمانی برای تجدیدنظر در قانون انتخابات پروس صادر کرده است. از فرونت روسیه امروز خبر تازه نرسیده؛ از قرار معلوم پس از عقب کشیدن قشون آلمان و اتریش از جلوی روسها محاربه سختی در این دو روزه در آن حدود واقع شده است. از قرار راپوت خود روسها خانقین و قصر شیرین را عثمانیها تصرف کرده و روسها را مجبور به عقب نشینی نموده‌اند. دو طیاره جنگی انگلیس استانبول را بمباران کرده‌اند. جای بسی تأسف است که چنین شهر تاریخی دارای چنین یادگارهای پربهایی از دوره‌های تاریخ باستانی، امروز هدف بمباران واقع شود. ولی از قرار راپورتی که رسیده خسارت زیادی به این شهر تاریخی وارد نشده است.

گردش در استکهلم

بعد از ظهر در شهر استکهلم قدری گردش کردم تا از نقشه شهر آشنایی پیدا کنم. استکهلم هفت شماره تراموای الکتریک دارد. شش شماره دایر است و این شماره‌ها تقریباً تمام مراکز و خیابانهای عمده شهر را

می‌پیمایند. اگر کسی با این خطوط مسافرت کند و از روی نقشه معابر را معین کند تقریباً تمام استکهلم را دیده است. شهر استکهلم وسعت زیادی ندارد ولی زمین آن بسیار پست و بلند و دارای تکه‌های آب بلکه دریا می‌باشد. به عبارت دیگر اراضی آن شبیه به جزایری است در میان آب دریا که به واسطه پلها به هم متصل شده است. از روی همین پلها آمدورفت می‌شود. رویهمرفته استکهلم شهر پاک و باصفایی است. چند خیابان وسیع خوبی دارد. سرویس تلفن در شهر استکهلم بیش از هر جا بسط پیدا کرده است. شهر دارای دو رشته بزرگ تلفن می‌باشد یکی دولتی و دیگری متعلق به یک شرکت تجارتی. خانه‌ای نیست در استکهلم که تلفن نداشته باشد. بعضی جاها هر دو رشته تلفن را دارند.

ملاقات چائو

جمعه ۱۳ ژوئیه - صبح زود به قونسولخانه ایران رفته راجع به اجناسی که آقای نواب تقاضا کرده بودند خریداری [شود] من جمله صابون صورت، صابون رخت شویی، چای به قونسولخانه دادم که برای سفارت در برلن بفرستند. گرفتن اجازه برای قونسولخانه اشکالی ندارد. از قونسولخانه ایران به اداره چائو رفتم. خودش و دوستش هر دو در اداره مشغول کار بودند. می‌گفت دیروز پس از آنکه اینجانب از اداره کمیته هلندیها و اسکاندیناویها خارج شدم او را پذیرفته و نظریات او را استماع کرده‌اند. منشی هویسمان اظهار خشنودی از ملاقات اینجانب نموده و از اظهارات اینجانب به خصوص ملاقات با سوسیالیستهای روسیه اظهار خرسندی می‌نمود.

وضع ملیون هند

بنابر گفته چائو نسبت به هندیهها نیز اظهار همدردی کرده‌اند. خود چائو خواهش کرده بود اجازه بدهند برای مذاکرات راجع به هندوستان از

طرف ملیون هند نماینده مخصوص فرستاده شود، ولی نه نمایندگانی که از طرف دولت انگلیس تعیین شده‌اند. باید به هندوستان آزادی داده شود تا نمایندگان خودشان را معین کنند و دولت انگلیس اجازه بدهد در استکهلم حاضر شوند. چائو شرحی از حوائج ملیون هند بیان کرده پس از اظهارات او کمیته در جواب همدردی نشان داد ولی گفته‌اند که قول نمی‌توانند بدهند که مسئله هند را مطرح مذاکرات کنفرانس قرار دهند، لیکن هند هم جزء کشورهای زبردست دیگر مقامی برای خودش خواهد داشت. چائو گفته بود چطور است دائماً صحبت از آلتزاس و لرن می‌شود ولی هیچ صحبت از هندوستان و تسلط انگلیس بر این کشور پهناور در میان نیست. جواب گفته بودند آلتزاس و لرن در اروپا و در جلوی نظر است ولی هندوستان خارج از اروپا و دور از نظر. دیگر آنکه معلوم نیست هندوستان بتواند در صورت استقلال خودش را آن طور که شاید و باید اداره کند.

شام با حیدرخان

ظهر کاپیتان پترسن سوئدی تلفن کرد و قرار گذاشت ساعت هشت برای ملاقات اینجانب به هتل بیاید. ولی اتفاقاً خبری از او نشد و طبق قراری که گذاشته بودیم سر وقت نیامد. بعد از ظهر با کشتی به واکس هلم با حمیدخان رفتم و شب را با حیدرخان شام خورده و تا نزدیک نصف شب با هم بودیم.

زنان مأموران سوئدی در ایران

شنبه ۱۴ ژوئیه - صبح زود اکستریم یکی از افسران سوئدی که در ایران بوده تلفن کرد که اینجانب را ببیند. قرار گذاشتیم که ساعت ده به هتل بیاید. ساعت ده آمد و تا ساعت پنج بعد از ظهر با هم بود و ناهار را هم با

هم صرف کردیم. حمیدخان هم بود. از قرار گفته اکستریم دیروز سه نفر از خانمهای افسران سوئد که شوهران آنها در ایران بوده [اند] و اکنون حیات ندارند به شهر آمدند که مخصوصاً اینجانب را ملاقات کنند. یکی از آنها خانم اولسون که در شیراز کشته شده و دیگری خانم اریکسن که سال گذشته در بغداد فوت کرده و سومی خانم چلستروم که پارسال در سوئد از مرض مالاریا فوت شده است. چون اینجانب در هتل نبودم موفق به دیدار آنها نشدم. از این خانمها تنها خانم چلستروم یک دختر کوچک دارد و آن دو خانم دیگر اولاد ندارند. پارسال همین خانم چلستروم را در صلاحیه در عراق عرب دیدم. یک نفر نوکر ایرانی با دو اسب ایرانی همراه داشت. بیچاره با زحمت زیادی بچه چندماهه خودش را از گرما و پشه محفوظ می‌داشت. با اکستریم مدتی راجع به افسران سوئدی که در ایران خدمت کردند مذاکره در میان بود و یک صورتی از کلیه آنها از افسران در خدمت و رزرو و پلیس ترتیب دادیم. افسران آکتیف سیزده نفر: یک نفر سرهنگ، یک مائور و یازده کاپیتان. افسران رزرو پانزده نفر و پنج افسر پلیس که دو نفر از آنها به نام وستال و بیورلینگ در تهران و یکی به نام استربلگ در رشت اداره پلیس را تشکیل می‌دهند.

استعفای صدراعظم آلمان

امروز خبر رسید که صدراعظم آلمان بتمن هلویگ استعفا داده است. تقریباً استعفای او بحران کابینه آلمان را پایان می‌دهد ولی معلوم نیست علت اصلی از کار انداختن صدراعظم چه بوده. او یگانه شخصی بود که از آغاز این جنگ تا به حال در سر کار خود باقی مانده بود. سر ادوارد گری انگلیسی پارسال از کار کنار رفت و سایرین هم از متفقین و متحدین که در رأس کار بودند و تنها بتمن هلویگ مانده بود. معلوم نیست سیاست صدراعظم تازه چه خواهد بود، اگر چه در آلمان سیاست در دست

امپراتور است و صدراعظم هم باید به میل امپراتور رفتار کند. یکی از کشتیهای جنگی نمره اول انگلیس آتش گرفته و غرق شده و تمام عمله جات و افراد جنگی که در آن بوده اند غرق شده اند.

علی اکبرخان ساعت ساز

شب را با میرزا محمدعلی ممتاز و حمیدخان گذراندم. چیزی که ممتاز می گفت و در اینجانب ایجاد بشاشت کرد این بود که میرزا علی اکبر ساعت ساز یکی از دموکراتهای معروف که به آزادی ایران بسیار خدمت کرده و از قم با چراغعلی خان به فرونت عراق به مقابل روسها رفته بود، معلوم شد که در زدو خورد با روسها کشته شده. در قم تمام ما فوت او را مسلم دانسته و برای او و بازماندگان او افسوس می خوردیم. ولی طبق اظهار آقای میرزا محمدعلی ممتاز، میرزا علی اکبر فوت نشده و الساعه در تهران زنده و سرکار خودش می باشد. از قرار معلوم در حین زدو خورد با روسها از اسب پرت شده بیهوش جزء کشته گان می افتد. بعد به هوش آمده با مشقت زیادی خودش را به محل امن و آبادی می رساند. مدتی هم در تهران پنهان بوده تا آنکه از سپهدار تأمین گرفته به سرکار خود که ساعت سازی است می رود. هنوز به همان ترتیب مشغول تبلیغات برای دموکراسی و کمک به ملیون می باشد. در همین یادداشتها افسوس به حال این شخص و از میان رفتن او اظهار کرده [ام] و این چند سطر را هم به یادگار خوشحالی خودم از نجات و زنده ماندن او روی کاغذ می آورم.

ملاقات گلدنبرگ

یکشنبه ۱۵ ژوئیه - صبح گلدنبرگ عضو دلگاسیون روس را ملاقات و مدتی با او صحبت کردم. از اوضاع روسیه اظهار بی اطلاعی می نمود. می گفت مدتی است که دیگر اطلاع مستقیم از پترزبورگ نداریم ولی از

قرار معلوم اوضاع روسیه خوب است. از برای او شرح ملاقات با افراد کمیته هلندی و اسکاندیناوی را بیان کردم. از من پرسید از ملاقات خودمان و اطمینانی که او به اینجانب داده برای کمیته شرح دادم یا خیر؟ گفتم بله تا آنجایی که لازم بود برای آنها شرح دادم. گفت باز هم به شما اطمینان می دهم که روس دیگر نسبت به ایران تخطی نخواهد کرد. خواهید دید که بعد از جنگ یک نفر از قشون روس در خاک ایران دیده نخواهد شد. روس دموکرات به خاک اجنبی آن هم یک کشور همسایه مانند ایران تخطی نخواهد کرد. پس از مدتی مذاکره در همین زمینه از نزد او خارج شدم.

گردش با حیدر عمو اوغلی

امروز به واسطه تعطیل یکشنبه و خوشی هوا قرار گذاشته ام با حیدرخان به بیرون شهر برویم. ساعت یازده با کشتی به طرف سالزبادن حرکت کرده از آن بندر هم گذشته به گوستاوزبرگ رفتیم. تا استکهلم تقریباً دو ساعت راه است. ناهار را در آنجا صرف و ساعت چهار به سالزبادن مراجعت کردیم. گوستاوزبرگ جای کوچکی است و برای گردش چندان اشتهاری ندارد. از ساعت چهارونیم تا هفت در سالزبادن ماندیم و با آخرین کشتی که ساعت هفت به استکهلم می آید حرکت کردیم. در این تنگه ها کشتی تقریباً در هر ایستگاه توقف کرده لنگر می اندازد و مسافر می گیرد. ساعت نه وارد استکهلم شدیم. منظر خیلی خوشی بود و خیلی خوش گذشت. مخصوصاً نزدیک استکهلم که خورشید غروب می کرد و نمایش بسیار زیبایی داشت. دریاهاى تنگ، در دو طرف آنها کوه و سبزی و ساختمان و آبادی، طبیعت را در حقیقت با صنعت دمساز [کرده است] و چشم مسافر را لذتی بسزا می دهد. در این دریاهاى تنگ کشتیهای زیاد در حرکت می باشند و مسافر حمل می کنند. در نزدیکی استکهلم چند فروند کشتیهای جنگی لنگر انداخته اند.

صدراعظم جدید آلمان

صدراعظم آلمان چنان که گفته شد استعفا داده و به جای او دکتر میکائلیس که قبلاً معاون وزارتخانه و رئیس اداره ارزاق بوده به مسند صدارت نشسته. از قرار راپرت روزنامه‌جات زیمرمن هم از وزارت خارجه مستعفی و به جای او وزیر مختار آلمان در کپنهاگ برقرار شده است. از قرار مندرجات روزنامه‌ها صدراعظم جدید آلمان بسیار کاری و اداری است و اخیراً در اداره ارزاق و رساندن خوراک به مملکت خدمات شایانی به منصفه ظهور رسانده و خود را بسیار معروف ساخته است. از قرار معلوم بحران در آلمان به کلی برطرف شده و تمام فراکسیونهای مجلس دست اتحاد داده، فرمول معینی برای تعقیب جنگ تعیین کرده‌اند و مدافع سیاست صدراعظم جدید خواهند بود.

ایرادها بر صدراعظم پیشین

بتمن هلوگ هشت سال تمام صدراعظم آلمان بود. در چهاردهم ژوئیه ۱۹۰۹ به صدارت منصوب و روز چهاردهم ژوئیه ۱۹۱۷ مستعفی گردید. ایرادی که به او داشتند بیشتر در نداشتن استحکام در سیاست بود. از او ایراد می‌گرفتند که پس از انقضای موقع دست به یک کاری می‌زند. مثلاً جنگ تحت‌البحری یک سال پس از وقتی که می‌بایستی آغاز شود شروع شد. راجع به همین موضوع سال گذشته امیرالبحر معروف آلمان فن تیرپتیز مستعفی گردید. بتمن هلوگ نمی‌خواست با امریکا طرف شود و برای همین موضوع جنگ تحت‌البحری را به عقب انداخت. ولی بالاخره نتوانستند امریکا را دور از جنگ نگاه دارند. امریکا داخل جنگ شد و جنگ تحت‌البحری هم یک سال به عقب افتاد. روزنامه‌های متفقین از این پیشامد اظهار وجد کرده‌اند و به خود اطمینان می‌دهند که بحران آلمان نتایج خوب برای آنها به ظهور خواهد رساند. بدیهی است مطبوعات

متفقین هر حرکت آلمان را برای استفاده و استحکام کار خودشان به طوری که می‌خواهند شهرت می‌دهند. ولی به طور مسلم این بحران و تعویض صدارت هیچ‌گونه انقلاب داخلی و یا ضعفی در دولت آلمان نمی‌نمایاند و برعکس فراکسیونهای مجلس بیشتر حامی جنگ و سیاست جنگی دولت آلمان هستند. برای همین مقصود بتمن هلوگ را از کار انداخته و صدراعظم تازه را به جای او نشانده‌اند. معلوم است با این تغییر که نتیجه اقدامات فراکسیونهای مجلس است نفوذ نمایندگان نسبت به صدراعظم و هیئت دولت زیادتر از سابق خواهد بود. تغییر صدراعظم، تغییر وزیر امور خارجه را نیز ایجاب کرده است. ولی هنوز قطعاً وزیر امور خارجه جانشین زیمرمن معین نشده ولی دو نفر را اسم برده‌اند: یکی وزیر مختار آلمان در کریستیانیا و دیگری کپنهاگ.

بودم. اکستروم از ایران و به خصوص از محاربات اخیر آزادیخواهان و ملیون علیه روسها صحبت می داشت. زبان فارسی را خوب حرف می زدند. از همان اول ورود یالمارسن به ایران با او بوده و پنج سال در ایران توقف داشته و به نقاط مختلف رفته است. در محاربات ۱۹۱۵-۱۹۱۶ ضد روسها شرکت داشته است. پارسال تابستان به واسطه ناخوشی اجازه گرفته به سوئد برمی گردد و هنوز در اینجا است. اخیراً از وزارت جنگ آلمان درخواست خدمت کرده است ولی هنوز جواب مساعدی برای او نیامده است.

وزیر خارجه جدید آلمان

سه شنبه ۱۷ ژوئیه - صبح چائو را ملاقات و با او قدری صحبت کردم. پیش از ظهر اکستروم و حمیدخان آمده تا ظهر با هم بودیم. بحران آلمان به کلی پایان یافته. زیمرن من از وزارت خارجه قطعاً برکنار [می شود] و احتمال دارد به سفارت آلمان در استانبول برود و جانشین او رسماً سفیر سابق آلمان در کپنهاگ می باشد. قرار است صدراعظم جدید آلمان نطقی در مجلس رایشتاگ راجع به سیاست خودش روز پنجشنبه آینده بنماید. اکثریت مجلس هم اظهاراتی راجع به نقطه نظر خودشان بنمایند.

برادر پادشاه سوئد

بعد از ظهر در یکی از رستورانهای استکهلم ناهار خوردم. برادر پادشاه سوئد هم با خانمش که دختر پادشاه دانمارک است در آنجا ناهار می خوردند. برادر پادشاه سوئد مردی است در حدود پنجاه سال بسیار بلند و باریک، کمتر مردی به این بلندی و باریکی دیده می شود، جلب نظر همه را کرده بود. خانمش هم قرب چهل سال دارد، بالنسبه کوتاه و ضعیف است.

پایان مسافرت استکهلم

اعلامیه کمیته کارگران

دوشنبه ۱۶ ژوئیه - از آمد و رفت سوسیالیستها دیگر خبری ندارم. از قرار کنفرانس باید در پانزدهم اوت منعقد شود. نمایندگان روسیه همین دو روزه خیال مسافرتی به طرف جنوب دارند. دو شماره اعلامیه شعبه کمیته کارگران و سربازان [روسیه در؟] استکهلم امروز به اینجانب رسید. خبر تازه ای از انقلاب روسیه نداشت ولی از مسلک کمیته و به خصوص صلح طلبی آن و دعوت عموم کارگران به صلح مفصل نوشته بود. از روزنامهجات برلن معلوم می شود آلمانها از تغییر صدراعظم به طور عموم بسیار خوشحال هستند و اظهار امیدواری به لیاقت و پیشرفت کار صدراعظم تازه دارند. صدراعظم جدید شصت سال و شباهت صوری زیاد به بیزمارک دارد.

اکستروم در ایران

عثمانیها قدری در مرزهای ایران پیشرفت حاصل کرده و بعضی نقاط را از دست روسها گرفته اند. بعد از ظهر دو ساعتی با اکستروم و حمیدخان

جنوب استکهلم

بعد از ناهار با حمیدخان قدری گردش کرده به طرف جنوب که شهر جنوبی استکهلم رفتیم. این قسمت به کلی از قسمت شمال شهر مجزا است و به وسیله یک پل که آن هم برای عبور و مرور کشتیها بلند می شود [به هم متصل می شود]. در چهارده سال پیش که اینجانب مسافرتی به استکهلم کردم این قسمت جنوبی شهر بیشتر مورد توجه بود ولی امروز محل اقامت کارگران و اشخاص درجه سوم است.

تپه های زیبا

تراموهای الکتریکی زیاد [ند] و مشغول حمل و نقل مسافری می باشند. مناظر این طرف شهر زیباتر از مناظر طرف شمال است. طرف شمال تماماً مسطح و صاف است ولی این طرف جنوب روی تپه های مرتفع ساخته شده و مناظر طبیعی زیبایی به وجود آورده است. در همین قسمت در ساحل دریا سه آسانسور بزرگ است که مردم را از پایین به طبقات فوقانی بالای تپه ها می برد و از بالای تپه ها مناظر دلپذیری را نشان می دهد. در چهارده سال پیش قهوه خانه ها و رستورانهای بسیار خوبی در این قسمت بود ولی امروزه تمام به طرف شمال منتقل شده است.

امروز از هتل کتینانتال جويا شده [معلوم شد] نماینده سوسیالیستهای بلغاری به استکهلم آمده است ولی مولر نماینده سوسیالیستهای آلمانی در رایشتاگ به برلن برگشته است. دکتر عاقل مختاریک نماینده عثمانی هم به استانبول مراجعت کرده است.

شیخ ترکمان

چهارشنبه ۱۸ ژوئیه - صبح چائو را ملاقات کردم. شرحی از اوضاع عمومی صحبت می کرد. از برلن خبر مهمی نداشت. شرحی محرمانه

راجع به شیخ ترکمان می گفت که از قرار معلوم جاسوسهای انگلیس او را ربوده و با خود همراه کرده اند. غریب چیزی [اینکه] بعد از ظهر که پترسن صاحب منصب سوئدی به دیدن نگارنده آمد جویای منزل همین شیخ بود. از او سؤال کردم برای چه جویای او می باشد، جواب قانع کننده نداد. قدری سوءظن اینجانب را برانگیخت. دیگر اینکه از فن ویزندونگ از من سؤال می کرد، به او جواب دادم که با نامبرده چندان آشنایی ندارم. در این که پترسن با انگلیسیها ارتباط دارد حرفی نیست. خانمش هم با انگلیسیها آمد و رفت دارد.

انقلاب در پترزبورگ

امروز خبر رسید که در پترزبورگ مجدداً انقلاب شده سربازان نمایش عمده ای داده و عده ای را هم کشته اند. در حقیقت انقلاب مجدداً شعله ور گردیده است. سه نفر از وزرا استعفا داده و سوسیالیستها جای آنها را گرفته اند.

کریم گُرد

از تهران خبر رسید که منتخب الدوله رئیس خزانه را تیر زده و کشته اند. نامبرده خیلی نزدیک به انگلیسها بود و قتل او از این بابت است. بعد از ظهر کریم گُرد را ملاقات کردم. این شخص از کردهای کردستان ایران ولی از قرار معلوم از اتباع عثمانی است. پنج سال است در استکهلم توقف دارد. زبان آلمانی و سوئدی را خوب حرف می زند. دو سال هم در آمریکا بوده [است] و انگلیسی را قدری می داند. شرحی از اوضاع سوئد برای اینجانب تعریف می کرد ولی رویهمرفته از سوئدیهها خوب نمی گوید. می گفت آن حقیقتی که باید داشته باشند ندارند. چشمشان بیشتر به ظاهر است و طمعشان خیلی زیاد است. طبقه نسوان هم اینجا بیش از سایر

جاهای اروپا دارای عفت نیستند به خصوص در داخل زندگی خانواده‌ها. کریم کرد در اینجا مشغول مختصر کسبی است و به قدر معاش خود فایده می‌برد.

اوضاع پترزبورگ

پنجشنبه ۱۹ ژوئیه - انقلاب پترزبورگ ادامه دارد. از جزئیات آن خبر صحیحی نرسیده ولی به قسمی انقلاب شدت دارد که ترن از فنلاند برای پترزبورگ حرکت نکرده و از پترزبورگ هم ترنی خارج نشده است. از قرار راپرت روزنامه‌جات روز دوشنبه سربازان و کارگران اغلب مراکز مهمه شهر را تصرف کرده و عزل وزرا را خواسته‌اند. تمام روز شلیک توپ و تفنگ در کار بوده است. از قرار معلوم تمام وزرا استعفا داده و امروز کمیته عمله‌جات و سربازان تنها مرکز قدرت شهر می‌باشند. وزرای مختار هم در حکومت نظامی پترزبورگ جمع شده مشغول مذاکره راجع به این پیشامد می‌باشند.

حمام دریایی

پیش از ظهر آقایان انصاری و حمیدخان به هتل آمده با آنها به بندر رفته با کشتی به سودرتلیه که در طرف جنوب غربی استکهلم و با کشتی دو ساعت و نیم است رفتیم. کشتی تمام راه را از وسط دریاها تنگ می‌رود و مناظر خیلی زیبایی را نشان می‌دهد. ناهار را در کشتی صرف [کردیم]، پس از ورود به سودرتلیه به کشتی کوچک دیگری نشسته از وسط کانال گذشته به محل حمام دریایی به طرف جنوب کانال رفته و پس از استحمام دریایی به سودرتلیه مراجعت کردیم و ساعت هفت و نیم باترن به استکهلم برگشتیم. یک ساعت و ربع با ترن راه است. تمام روز بسیار خوش گذشت.

ورود هدایت

جمعه ۲۰ ژوئیه - امروز آقای عزت‌الله هدایت از برلن وارد استکهلم شد. تمام روز با او بودم. از برلن مفصلاً صحبت می‌کرد. خلاصه اطلاعات او از برلن بدین ترتیب بود:

اول - تلگرافی از نظام السلطنه از استانبول رسیده که از حرکت اینجانب به استکهلم استفسار کرده که به ایشان اطلاع داده شود.

دوم - نادولنی به برلن مراجعت کرده، به نظام السلطنه و عثمانیها نظر خوشی اظهار نمی‌کند.

سوم - ماژور محمدتقی خان و ماژور ابوالحسن خان به برلن وارد شده‌اند.

چهارم - نامه مفخم‌الدوله رسیده که نامه‌های لازم را سواد کرده، فرستاده‌اند که از برلن فرستاده شود.

آلمان و صلح

وضع برلن رویهمرفته بد نیست و مردم امیدواری به موفقیت آتیه داشته و نسبت به صدراعظم جدید نظر خوبی دارند. دیروز صدراعظم آلمان نطق مفصلی در مجلس رایشتاگ آلمان می‌نماید و می‌گوید همان سیاست سرعسکری کل را تعقیب خواهد کرد. جنگ تحت‌البحری ادامه خواهد داشت تا آنکه انگلیس به زانو درآید. دیگر دعوت صلح از طرف آلمان نخواهد شد. ولی وقتی متفقین دعوت صلح بکنند آلمان برای مذاکرات صلح حاضر خواهد بود. انقلاب روسیه با شدت ادامه دارد و هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است و معلوم نیست وضع دولت تازه چیست.

حمله علیه روس

از قرار راپرت روزنامه‌جات آلمانها و اتریشیها حملاتی علیه روس در

گالیسیای شرقی شروع کرده و پیشرفتی هم کرده‌اند. در حمله دیروز متجاوز از دو هزار اسیر جنگی و مقداری اراضی از روسها گرفته‌اند.

اخبار ایرانیان استانبول

شنبه ۲۱ ژوئیه - امروز بیشتر روز را با عزت‌الله‌خان هدایت مشغول نوشتن خلاصه کارهایی که در این مدت شده است بودم. شرح مفصلی باز با عزت‌الله‌خان راجع به وقایع استانبول و ایرانیهای آنجا صحبت کردیم. روزنامه خاور استانبول شرحی راجع به مسافرت اینجانب به استکهلم انتشار داده [است] و اظهار امیدواری می‌کند که بلکه راجع به ایران نتیجه مطلوبه به دست آید. از قرار معلوم روابط نظام‌السلطنه با عثمانیها خیلی محکم و گرم می‌باشد ولی چندان روابطی با آقای احتشام‌السلطنه سفیرکبیر ایران در استانبول ندارد. آقایان میرزا محمدعلی خان کلوب و ادیب‌السلطنه و میرزا محمدعلی خان تربیت برای خود دسته‌ای علیه آقای نظام‌السلطنه تشکیل داده‌اند. فن ویزندونگ سخت مریض شده مشرف به موت بود. ولی حالا برای مداوا به سویس رفته و حالش بهتر است.

حبیب‌الله شیبانی

از قرار معلوم عملیات برای استرداد بغداد شروع شده و یکی از سردارهای آلمانی به ریاست این قشون برقرار گردیده. عثمانیها پیشرفتی در مرزهای ایران ضد روسها کرده‌اند. پس از ورود نظام‌السلطنه به استانبول دعوتی از کلیه ایرانیان مقیم برلن شده بود که به استانبول رفته در آنجا همگی همکاری کنند. ولی ایرانیان برلن به این دعوت جواب مساعدی ندادند. مازور حبیب‌الله خان شیبانی می‌خواسته است به طرف برلن حرکت کند به او اجازه نداده‌اند و در نتیجه هنوز در استانبول متوقف است.

حیدرخان عمو اوغلی

یکشنبه ۲۲ ژوئیه - ساعت یازده با آقای عزت‌الله‌خان هدایت به سالزبادن رفته و در آنجا حیدرخان هم به ما ملحق شد. تا ساعت شش در آنجا بودیم. سپس با کشتی از آنجا به گوستاوبرگ رفته و از آنجا با ترن به استکهلم مراجعت کردیم. هوا ابری [بود] و کمی باران می‌آمد. نزدیک غروب هوا به قسمی سرد شد که پالتو مورد احتیاج بود. حمله آلمانها در گالیسیای شرقی ادامه دارد. قشون آلمان و اتریش به نزدیکی شهر تارنپول رسیده و در حال جلو رفتن هستند. روسها به سرعت از جلوی متحدین عقب‌نشینی می‌کنند.

مظفریت بلشویکها

پرنس لوف مستعفی و کرنسکی مشغول تشکیل کابینه شده است. از قرار معلوم بلشویکها مظفریت کامل حاصل نکرده [اند] و عجلتاً تمام کارها دست اکثریت کمیته عملجات و سربازان که حامی کرنسکی می‌باشند افتاده است. لنین و دسته او کرنسکی و پارتیزانهای او را به کارکنان آلمانی متهم ساخته [اند] و آنها را تعقیب می‌کنند. گویا آن قسمت از قشون که پارتی عملجات و سربازان است عجلتاً موقیبت حاصل کرده بطرزبورگ را تحت تسلط خود گرفته‌اند. در هر صورت شب آستن است تا چه زاید سحر.

پخش اعلامیه - نامه به ارباب کیخسرو

دوشنبه ۲۳ ژوئیه - صبح تا ظهر مشغول نامه‌نویسی بودم. نامه‌ای به ارباب کیخسرو نوشته، بیست نسخه از اعلامیه خودمان را برای او فرستادم و از او خواهش کردم که به نمایندگان سابق مجلس بدهد. ضمناً مختصری از نظریات خودمان را برای او تشریح کردم و نوشتم اگر نظریات تازه‌ای

ملیون و آزادیخواهان تهران دارند خوب است کتباً و یا تلگرافاً به اینجانب اطلاع بدهند تا وحدت فکر و عمل میان نگارنده و آنها ایجاد شود. مدت اقامت خود را در استکهلم تا اواخر اوت معین کردم.

نامه به صدرائی

نامه‌ای دیگر به آقای صدرائی - یکی از وجوه آزادیخواهان - نوشته و از او خواهش کردم اعلامیه‌ی ما را به فارسی مرغوب و به طور مطلوب به طبع رسانده هرچه بتواند انتشار بدهند که نظریات و عملیات اینجانب در اینجا از نظر هموطنان گذشته [شود] و افکار آنان را نیز به این نکته‌ی اساسی که حفظ میهن و دفاع از منافع وطن است متوجه سازد.

نامه‌ای هم به آقای مفخم‌الدوله به پترزبورگ نوشته از ایشان خواهش کردم دو نامه‌ی نامبرده را به تهران بفرستند. از برای خود ایشان هم سی نسخه اعلامیه‌ی خودمان را به زبان فرانسه و انگلیسی فرستاده از ایشان خواهش کردم که به هر جا و به هر کس که صلاح می‌دانند بدهند تا نتیجه‌ی مطلوب به دست آید.

قنصل ژنرال ایران

مقارن ظهر پاکت پترزبورگ را به قنصل ژنرال ایران دادم که به توسط قاصد مخصوص وزارت خارجه سوئد برای پترزبورگ بفرستند. قنصل ژنرال نامبرده می‌گفت از قرار معلوم تا اواخر این ماه خود مفخم‌الدوله از پترزبورگ وارد استکهلم خواهد شد. خانم ایشان در گراند هتل استکهلم منزل دارند. اشیائی که قبلاً به توسط ایشان برای آقای نواب فرستاده بودم ارسال شده است.

نامه‌ی یالمارسن

امروز کلنل یالمارسن که در [جائی] در داخله سوئد منزل دارد نامه‌ای به

اینجانب نوشته اظهار می‌دارد که در این مدت به واسطه‌ی مشق و مانور قشون نتوانسته است به استکهلم برای دیدن اینجانب بیاید. امروز هم برای تعطیل به محل منزل خانواده‌ی خود رفته و تا اواخر اوت در آنجا خواهد بود و بعد اگر اینجانب در استکهلم باشم به دیدن من خواهد آمد.

قنصل جدید ایران

بعد از ظهر با آقایان عزت‌الله‌خان و حمیدخان به دیدن قنصل جدید ایران رفته در آنجا نامه‌ای از آقای نواب برای اینجانب رسید. ایشان می‌نویسند که خوب است جزئیاتی از عملیات خود در اینجا برای ایشان فرستاده [شود] تا از برلن به تهران بفرستم. در جواب این نامه شرح مفصلی در دوازده صفحه از عملیات خود در اینجا برای ایشان نوشتم که اگر صلاح بدانند به تهران بفرستند. قنصل جدید ایران بازرگان جوانی است سوئدی به نام اوتوروبین، زبان آلمانی و انگلیسی را خیلی خوب حرف می‌زند. اداره‌ی بزرگی دارد که یک طبقه‌ی عمارت را گرفته است. از قرار معلوم یکی از بازرگانان معتبر اینجا است. وعده‌ی مساعدت داد که هر نوع کاری از قبیل فرستادن نامه، تلگراف و امثال [باشد] آنها در انجامش حاضر است.

حملات جدید

حملة آلمان و اتریش [در] گالیسی شرقی ادامه دارد و گویا به سرعت جلو می‌روند. قشون بی‌دیسپلین روس از اطراف در مقابل این حملات فرار می‌کنند. از قرار معلوم آلمانها در فرانسه هم به حملاتی مبادرت کرده و قدری هم پیشرفت کرده‌اند. می‌شود گفت تغییر صدراعظم در آلمان زمینه‌ی سیاست آن کشور را تغییر داده. نطق فولادین صدراعظم جدید و حملات تازه هندنبورگ هیکل متفقین را به لرزه درآورده و زبان آنها را مجدداً به اغراق‌گویی باز کرده است.